

اقلیت‌های قومی، بزهکاری و سیاست عمومی

نویسنده: ماریان یونگر

برگردان: امیرحمزه زینالی

دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی

هرمز یزدانی

کارشناسی ارشد حقوق بشر

چکیده

تحقیق در مورد سهم اقلیت‌های قومی در بزهکاری و جایگاه آنان در نظام عدالت کیفری از موضوعات مهمی است که از جنبه‌های مختلف قابل بررسی است. غالباً، آمارهای رسمی و پلیسی از سهم بیشتر اقلیت‌های قومی در ارتکاب جرم در مقایسه با اکثریت، حکایت دارند. در نظام عدالت کیفری اقلیت‌های قومی در نقش متهم، محکوم و بزه‌دیده، ممکن است در معرض تبعیض‌های مختلفی قرار بگیرند. مقاله پیش رو، میزان جرایم ارتكابی اقلیت‌های قومی را در کشور هلند، فراتر از آنچه در آمارهای رسمی منعکس شده است، بررسی می‌کند. در این راستا از دو ابزار خود، گزارش‌دهی و مطالعات راجع به بزه‌دیدگی استفاده شده است. همچنین به جایگاه اقلیت‌های قومی در فرایند کیفری از مرحله دستگیری تا صدور حکم و اجرای آن پرداخته شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مداخله اقلیت‌ها در مقایسه با هلندی‌ها بیشتر در جرایم کم‌اهمیت است و این امر به عواملی فراتر از عوامل شخصی مربوط می‌شود. تبعیض نژادی هرچند در مرحله پلیسی وجود ندارد و در دستگیری‌ها فاکتور نژاد مؤثر نبوده است اما روابط پلیس با اقلیت‌های قومی متشنج است. همچنین میزانی از تبعیض

¹ Ethnic Minorities, Crime and Public Policy, Crime and Criminal Policy in Europe, Proceedings of a European Colloquium, Hood, R.(Editor), Center for Criminological Research, University of Oxford, Oxford, 1989

² Marianne. Junger

در مرحله تعقیب و رسیدگی در دادگاه به اثبات رسید. در این مقاله با رویکردی تطبیقی، به نتایج مطالعات در سایر کشورها نظیر انگلستان، آلمان و آمریکا نیز اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: پلیس، اقلیت‌های قومی، تبعیض، بزهکاری، نوجوانان.

مقدمه

در دهه‌های گذشته در بسیاری از کشورهای اروپای غربی، نسبت اقلیت‌های قومی رو به رشد بوده و توسعه قابل توجهی در جهت حرکت به سوی یک جامعه چندقومی صورت گرفته است و هم‌زمان در این راستا مشکلات مختلفی بروز کرده‌اند. از میزان بالای ارتکاب جرم در میان اقلیت‌های قومی، به‌عنوان یکی از این مشکلات نام برده می‌شود. در مقابل، برخی دیگر بر این باورند که اقلیت‌های قومی، جرایم بیشتری مرتکب نمی‌شوند، بلکه پلیس با اقلیت‌های قومی مشکل دارد. به عبارت دیگر، به‌طور عمده، تبعیض نژادی از سوی پلیس، سبب بزرگ‌نمایی جرایم ارتكابی از سوی اقلیت‌های قومی، در آمارهای رسمی می‌شود.

در این مقاله سه موضوع زیر بررسی خواهد شد:

۱-۱. آیا نوجوانان اقلیت‌های قومی بیشتر از نوجوانان هلندی مرتکب رفتارهای مجرمانه می‌شوند؟

بخش دوم در ارتباط با مسئله میزان جرایم است: آیا نوجوانان اقلیت‌های قومی بیشتر از نوجوانان هلندی مرتکب جرم می‌شوند؟ موضوع ارتکاب سطح بالاتر اعمال مجرمانه توسط اعضای اقلیت‌های قومی، در مقایسه با جمعیت بومی مرتکب، با روش‌شناسی و سنجش جرم در ارتباط است.

برای سنجش جرم، سه روش به کار می‌رود: داده‌های رسمی، روش‌های خودگزارش‌دهی^۱ و مطالعات بزه‌دیدگی.^۱ به نظر می‌رسد با توجه به روش به کار

^۱ Self – report.

گرفته شده، می‌توان نتایج متفاوتی در ارتباط با سطوح جرم در میان اقلیت‌های قومی به دست آورد. برای نمونه در بسیاری از کشورها، برخی گروه‌های اقلیت‌های قومی در آمارهای رسمی بزرگ‌نمایی شده‌اند. در ایالات متحده، انگلستان، فرانسه، هلند، سوئد، بلژیک و آلمان این امر تأیید شده است.^۲

به‌طور کلی، در نظام قضایی بسیاری از کشورها، جرایم ارتكابی مهاجران و سیاهپوستان بزرگ‌نمایی شده و در مقابل، جرایم آسیایی‌ها کوچک‌نمایی^۳ شده‌اند. برخلاف آمارهای رسمی، مطالعات خودگزارش‌دهی عموماً این امر را تأیید نمی‌کنند و یافته‌های حاصل از این مطالعات، برای انواع مختلف گروه‌های قومی تفاوت چندانی با هم ندارند.

در مورد داده‌های رسمی، موضوع اصلی این بود که آیا تبعیض نژادی بر تصمیمات گرفته شده در داخل نظام قضایی تأثیر دارد تا بتواند به انحراف در ثبت آمار جرایم منجر شود یا نه؟ بنابراین، ابتدا برای پی‌بردن به این‌که آیا در برخی مراحل فرایند قضایی، برخورد متفاوتی با اقلیت‌های قومی و سفیدپوست‌ها می‌شود یا نه، یک بازبینی در ادبیات مربوطه (به‌طور خاص هلند) ارائه خواهد شد. همچنین، این امر شاخصی برای پی‌بردن به میزان دقیق برآورد ارتكاب جرم به‌وسیله‌ی داده‌های رسمی فراهم می‌کند.

در ادامه نتایج حاصل از مطالعات بر روی بزه‌دیدگان بررسی می‌شود. این روش برای ارزیابی اعتبار آمارهای رسمی به کار رفته است.

دوم؛ اعتبار داده‌های مربوط به رفتارهای مجرمانه حاصل از خودگزارش‌دهی را ملاحظه خواهیم کرد. یکی از امتیازهای این روش (مثل روش مطالعه بزه‌دیدگی) حذف طرفداری از پلیس توسط پژوهشگر است. در پایان، داده‌هایی در ارتباط با ارتكاب

^۱ Victimization Studies

^۲ علاوه بر سایرین نگاه کنید به:

Gould (1969); Chambliss & Nagasawa(1969); Nadj afiabrandabadi (1983); Stevens & Willis (1979); Hindelang,Hirschi & Weis (1979); Sampson (1985); Block (1985); Jager (1984); Craen (1984); Albrecht (1984)' van der Hoeven (1986).

^۳ Under- represented.

رفتارهای مجرمانه از سوی نوجوانان سه گروه قومی مراکشی، ترک، سورینامی و یک گروه مقایسه‌ای از نوجوانان هلندی ارائه خواهد شد.

۲-۱. اقلیت‌های قومی و تجارب آن‌ها با پلیس

در برخی موارد برخورد بین اعضای اقلیت‌های قومی و پلیس بدون تنش نیست. در ارتباط با این مشکل چه می‌توان گفت و چه می‌توان کرد؟ این امر در بخش سه مورد بررسی قرار گرفته است.

۳-۱. اقلیت‌های قومی و وضعیت آن‌ها در جامعه هلند

در بخش چهارم در ارتباط با وضعیت اقلیت‌های قومی در جامعه هلند، ملاحظاتی خواهیم داشت. در ابتدا، تعریف‌هایی راجع به مفهوم اقلیت قومی ارائه می‌شود. در هلند اقلیت‌ها معمولاً به‌عنوان گروه‌هایی تعریف می‌شوند که مخاطب و هدف سیاست رسمی مربوط به اقلیت‌ها هستند (برای مثال بنگرید به: موس^۱، ۱۹۸۷). اخیراً، دولت فهرستی از گروه‌های ویژه ارائه کرده است که افرادی از کشورهای مدیترانه‌ای (عمدتاً ترکیه و مراکش)، از ریشه قومی سورینامی/آنتیلیان^۲ (که شهروندان هلند هستند)، پناهندگان (عمدتاً از ویتنام، سری‌لانکا و لهستان)، کولی‌ها و کاراوان دیویلرها^۳ را دربرمی‌گیرد. در کل این گروه‌ها ۴/۸٪ از جمعیت هلند را تشکیل می‌دهند (سال ۱۹۸۷).

بیان شده است که مفهوم اقلیت قومی یک اصطلاح کلی است که بیشتر برای جوامعی به کار می‌رود که دارای ریشه خارجی متفاوت از نظر فرهنگ، ملیت، مذهب، زبان، تمایلات سیاسی و نژاد هستند (نگاه کنید به: ۱۹۸۵ مالی پاردر^۴). تنوع ذکر شده در تعریف، گاهی در ادبیات مربوطه به فراموشی سپرده می‌شود. در بسیاری از موارد مفهوم اقلیت قومی معادل برخی از مشکلات اجتماعی گرفته می‌شود. این امر تا حد زیادی با نرخ بالای بی‌کاری، درآمد کم، سطح پایین آموزش و سطح بالای ارتکاب جرم در ارتباط است، اگرچه همواره این‌گونه نیست. برخی از پژوهشگران نشان داده‌اند که

^۱ Muus

^۲ Antilleans

^۳ Caravan Dwellers.

^۴ Maliepaard

تعلق به یک اقلیت قومی به‌طور خودکار به محرومیت و برخی مشکلات اجتماعی منجر نمی‌شود. در این راستا، سوول^۱ در سال ۱۹۸۱ استدلال کرده است که در ایالات متحده آمریکا با وجود تبعیض، برخی از طبقات اقلیت‌های قومی موفق بوده‌اند. به نظر می‌رسد که در بسیاری از کشورهای غربی، چینی‌ها، یهودی‌ها و ژاپنی‌ها مشکلات عدیده‌ای ندارند. شاید همین موضوع باعث شده این اقلیت‌ها به‌عنوان گروه‌های هدف از سوی سیاست مربوط به اقلیت‌های هلند انتخاب نشوند. این امر برای تفسیر نتایج ارائه‌شده بعدی در این مقاله (برای ذکر تفاوت‌هایی که در میان گروه‌های قومی وجود دارد)، مهم است.

۲. آیا نوجوانان اقلیت‌های قومی بیشتر از نوجوانان هلندی اعمال مجرمانه انجام می‌دهند؟

این سنجش با بحث در مورد یکی از سه روش سنجش آغاز می‌شود. اول، به داده‌های رسمی و داده‌های حاصل از مطالعات بر روی بزه‌دیدگان توجه خواهیم کرد. دوم، شواهدی در خصوص داده‌های خودگزارش‌دهی و در پایان، داده‌هایی از مطالعه هلند ارائه خواهد شد.

۲-۱. اعتبار داده‌های رسمی: تبعیض علیه گروه‌های قومی در چارچوب نظام قضایی

پرسش این است که آیا استناد به داده‌های رسمی جهت ارزیابی مداخله گروه‌های قومی در ارتکاب رفتارهای مجرمانه، معیار معتبری است؟ از این نظرگاه، اعتبار داده‌های رسمی به این موضوع وابسته است که آیا تبعیض نژادی به‌عنوان یک عامل، در تصمیماتی که در طی فرایند قضایی گرفته می‌شود، تأثیر دارد یا نه. در گذشته، پژوهشگران از داده‌های رسمی به‌ویژه در ارتباط با امکان مقایسه دخالت برخی گروه‌های قومی در ارتکاب رفتارهای مجرمانه، انتقاد می‌کردند. وجود تبعیض نژادی در تمامی مراحل فرایند قضایی، به انحراف شدید در داده‌های رسمی و

^۱ Sowell.

بی‌ارزش بودن چنین داده‌هایی برای پژوهشگر بررسی‌کننده رفتار مجرمانه، منجر می‌شود.^۱

پلیس در خیابان‌ها به افراد رنگین‌پوست در مقایسه با افراد سفیدپوست، توجه بیشتری می‌کند. پلیس می‌تواند افرادی را که مظنون به نظر می‌رسند، متوقف و تحت بازرسی قرار دهد. وقتی پلیس متوجه می‌شود که احتمال وقوع جرمی می‌رود، برای اقدام یا عدم اقدام در جهت دستگیری مظنون تصمیم می‌گیرد.

برآیند این تصمیمات با گزارش‌های بزه‌دیدگان، شهود و پلیس، به تشکیل داده‌های مربوط به بازداشت‌شدگان منجر می‌شود.

الف) احتمال دستگیری

اولین سطح تفاوت، هنگامی است که قربانیان و شهود جرم در تصمیم‌گیری به منظور توسل به پلیس، بین گروه‌های قومی تفاوت بگذارند. مطالعات بر روی بزه‌دیدگان در انگلیس، ایالات متحده و هلند نشان داده است که فقط بخش نسبتاً کوچکی از جرایم، توسط آن‌ها به پلیس گزارش شده است. احتمال گزارش یک جرم به پلیس، بیشتر با میزان خطرناک بودن ارتباط دارد؛ جرایم خطرناک در مقایسه با جرایم کم‌اهمیت احتمال بیشتری دارد که به پلیس گزارش شوند (برای مثال نگاه کنید به: هووارد^۲ ۱۹۷۵؛ هیندلانگ^۳ ۱۹۷۴؛ وان دایک^۴ و اشتاین متز^۵ ۱۹۷۹، روباک^۶ گرینبرگ^۷ و وسکات^۸ ۱۹۸۳؛ اسکوگان^۹ ۱۹۸۴؛ گوو^{۱۰} هاگز^۱ و گریکن^۲ ۱۹۸۵).

^۱ نوشته‌های زیادی در ارتباط با تأثیر متغیرهای اجتماعی - دموگرافیک بر تصمیمات اتخاذشده در برخی مراحل فرایند قضایی وجود دارد. برای مثال، تبعیض بر اساس جنس، نژاد، سن، وضعیت اجتماعی - اقتصادی و اشتغال مورد مطالعه قرار گرفته‌است. در این مقاله بحث به سوابق نژادی و قومی محدود خواهد شد.

^۲ Howard

^۳ Hindelang

^۴ Van Dijk

^۵ Steinmetz

^۶ Ruback

^۷ Greenberg

^۸ Wescott

^۹ Skogan

^{۱۰} Gove

همچنین از مطالعات راجع به بزه‌دیدگان در ایالات متحده، این نتیجه به دست آمد که متغیرهای اجتماعی - دموگرافیک مثل سن و نژاد (هنگامی که برای بزه‌دیده معلوم بود) در تصمیم‌گیری درباره گزارش جرم به پلیس تأثیری نداشته است (مطالعات در مورد هلند در این ارتباط هنوز گزارشی نکرده‌اند).

سطح دوم، تصمیم‌گیری مربوط به متوقف کردن و دستگیری در خیابان‌هاست. مطالعات درباره هلند در زمینه رفتار پلیس نشان می‌دهد که شواهدی مبنی بر اعمال تبعیض نژادی از سوی پلیس وجود ندارد. بر اساس مطالعات آلبرتز^۳ و کامینگا^۴ در سال ۱۹۸۳، گاهی در برخورد بین پلیس و اقلیت‌های قومی، زور به کار رفته است، اما نمی‌توان رابطه‌ای بین تأثیر تبعیض نژادی و وضع دستگیری‌ها برقرار کرد. یونگر - تاس^۵ (یونگر - آماده انتشار)^۶ برخوردهای بین پلیس و شهروندان را مورد مشاهده قرار داد. در این مطالعه مدرکی که نشان بدهد پلیس رنگین‌پوستان را بیشتر از سفیدپوست‌ها متوقف می‌کند، به دست نیامد.^۷

پانچ^۸ در طی یک مطالعه مشاهده‌ای در سال ۱۹۷۶ نتیجه گرفت که در آمستردام پلیس به جرم توجه دارد و در اکثر موارد بر خصوصیات مظنونان توجهی نمی‌کند.

^۱ Hugnes

^۲ Geerken

^۳ Aalberts

^۴ Kamminga

^۵ Junger - Tas

^{۱۱} این نتایج با آن چیزی که توسط یونگر - تاس در سال ۱۹۷۷ گزارش شده‌اند، متفاوت است. داده‌ها از ۴ شهر هلند جمع‌آوری شده‌اند. در یکی از این شهرها تنش بین اقلیت‌های قومی و پلیس وجود داشت. تحلیل ثانویه داده‌ها نشان داد که بعد از کنترل متغیر شهر نتایج باید با روش متفاوتی تفسیر می‌شد که هیچ نشانه‌ای از تبعیض نژادی به دست نیامد.

^{۱۱} هنگامی که برخوردها از سوی پلیس آغاز شده بود، تفاوت‌هایی به دست آمد زیرا فرد (و وضعیت) توسط افسر پلیس، مظنون به نظر رسیده است. در میان بزرگسالان (بالای ۲۰ سال) رنگین‌پوستان به‌طور نسبی دارای تکرار جرم بیشتری در مقایسه با سفیدپوستان به‌عنوان مظنون دیده می‌شوند. اگرچه این امر بر تفاوت در وضعیت دلالت نمی‌کند. تفاوتی بین گروه‌های فوق در تعداد برخوردهای منجر به دستگیری (انتقال فرد به پاسگاه پلیس) وجود ندارد. یونگر (مقاله آماده ارائه) نتیجه می‌گیرد که پلیس وضعیت را به‌طور یکسان برای هر دو دسته از مظنونان (سفیدپوست و سیاه‌پوست) ارزیابی می‌کند. تفاوت‌هایی بین نوجوانان مشاهده نشده است.

^۸ Punch.

مشکل خاصی توسط ویث^۱ در سال ۱۹۸۴ توصیف شده است. او مطالعه‌ای در بی‌جل‌مرمر^۲ به عمل آورد. این منطقه یکی از بخش‌های آمستردام با بیشترین تراکم جمعیت سیاهپوستان (از سورینام) در هلند است (حدود یک چهارم جمعیت). اکثریت شاکیان، تحریک‌شدگانی از جمعیت سیاهپوستان بودند که از کنترل تبعیض‌آمیز پلیس علیه سیاهان، ناراحت بودند. با این حال، پلیس می‌گفت که پلیس علیه سیاهان اعمال تبعیض نمی‌کند، بلکه سیاهپوستان غالباً بدون داشتن گواهی‌نامه معتبر، رانندگی می‌کنند. ویث در سال ۱۹۸۴ شواهدی را بررسی کرد و معلوم شد که ۲۷ سیاهپوستان بی‌جل‌مرمر دارای گواهی‌نامه رانندگی معتبر نیستند. در صورتی که تنها ۶٪ رانندگان سفیدپوست فاقد گواهی‌نامه معتبرند. او نتیجه گرفت که توجه ویژه به این امر از سوی پلیس قابل درک است.

یک مطالعه تجربی نشان می‌دهد که دلیلی وجود ندارد که تبعیض نژادی در داده‌های مربوط به دستگیری‌ها تأثیری داشته باشد (ویلیامز^۳ و میبوم^۴، ۱۹۷۸؛ بونکرک^۵ و لونینگ^۶، ۱۹۷۹). مطالعه‌ای که از سوی وینکل^۷ و کوپلار^۸ در سال ۱۹۸۶ در هلند به عمل آمد، بر فرایند برچسب‌زنی از سوی افسران پلیس تمرکز داشت. این مطالعه نشان داد که در وضعیت‌های تجربه‌شده، انتساب برخی خصوصیات به مظنونان از سوی پلیس با توجه به نوع رفتار و ریشه‌های قومی مهاجران متفاوت بوده است.^۹ اما

^۱ With.

^۲ Bijlemermeer.

^۳ Willemse.

^۴ Meyboom.

^۵ Bovenkerk.

^۶ Luning.

^۷ Winkel.

^۸ Koppelaar.

مظنونان سورینامی و مظنونان نشان‌دهنده رفتار منظم، در مقایسه با مظنونان هلندی و مظنونان با رفتار خنثی، بیشتر احتمال دارد که به‌عنوان مظنون جلوه کنند. اگرچه برای برخی عوامل مظنونان هلندی بیشتر ثبت شده‌اند و خطرناک‌تر از سورینامی‌ها تلقی شده‌اند. نهایتاً برای بسیاری از عوامل (محتمل برای ارتکاب جرم، مهاجم، مستعد به ارتکاب جرم) در میان هلندی‌ها و سورینامی‌ها تفاوتی پیدا نشد.

این تجربیات، نمی‌توانند تأیید کنند که در زندگی واقعی نیز اعضای اقلیت‌های قومی متفاوت از مردم هلند رفتار می‌کنند؛ به گونه‌ای که این تفاوت در رفتار و ارتباطات، بر رفتار افسران پلیس و تصمیمات آنان در دستگیری تأثیر داشته باشد. با نگاه به برخی نتایج ارائه‌شده در اینجا، بهتر است تصریح کنیم در حالی که تفاوت‌هایی در انتساب برخی خصوصیات بر اساس ریشه قومی وجود دارد، احتمالاً این عوامل تأثیری بر رفتار ندارند. نبود ارتباط بین خصوصیات و رفتار در خیابان‌ها، در طی یک مطالعه انگلیسی (که توسط انستیتو مطالعات سیاست‌گذاری (Minferhefen Bulletin, 1984) به عمل آمد)، نشان داد که پژوهشگران از برخی اظهارات مبنی بر رفتار نژادپرستانه افسران پلیس، شوکه شده بودند؛ اما شواهدی مبنی بر این‌که این طرز برخورد‌ها، رفتار ایشان را در تعامل آنان با عموم و مظنونان تحت تأثیر قرار بدهد، به دست نیاوردند (همچنین نگاه کنید به بخش سوم).

به‌طور خلاصه، به نظر می‌رسد در هلند احتمال دستگیری با نژاد مظنونان در ارتباط نیست که این امر با نتایج حاصل از مطالعات در آمریکا مطابقت دارد. در برخی مطالعات که در آمریکا صورت گرفته، رفتار افسران پلیس در خیابان‌ها مورد توجه قرار گرفته است. پژوهشگران نتوانستند نتیجه بگیرند که نژاد مهاجمان تأثیری در تصمیمات پلیس در دستگیری آنان داشته است (تری^۱ ۱۹۶۷؛ بلاک^۲ و رایس^۳ ۱۹۷۵؛ لاندمن^۴ سایکس^۵ و کلارک^۶ ۱۹۷۷). پیتز سیلیا^۷ در سال ۱۹۸۵ یک مطالعه تطبیقی در ارتباط با تبعیض نژادی در کل نظام قضایی انجام داد. به گفته او احتمال دستگیر شدن به دلیل یک جرم، بدون توجه به نژاد خیلی کم است.^۸

^۱ Terry

^۲ Black

^۳ Reiss

^۴ Lundman

^۵ Sykes

^۶ Clark

^۷ Petersilia

^۸ بنابر مطالعه پیتز سیلیا در ۱۹۸۵ فقط ۶٪ سرقت از خانه‌ها، ۲۱٪ سرقت از فروشگاه‌ها، ۵٪ جعل اسنادها و کمتر از ۱٪ فروش موادمخدر از سوی مجرمین در نتیجه دستگیری گزارش شده است. این یافته‌ها در مورد تمامی گروه‌های قومی است.

آلبرشت^۱ در سال ۱۹۸۷ به این نتیجه رسید که در آلمان میزان اعمال دستگیری علیه خارجیان، تبعیض‌آمیز نیست. به نظر می‌رسد که مطالعات انجام‌شده در انگلستان قطعی نیستند. برخی گفته‌اند که احتمال دستگیر شدن برای افراد از همه گروه‌های قومی یکسان است. به نظر می‌رسد قومیت در مراحل بعدی تصمیم‌گیری از سوی پلیس تأثیر دارد. به طوری که نوجوانان سفیدپوست بیشتر از نوجوانان سیاه‌پوست، شانس دارند که با وثیقه آزاد شوند (برای مثال نگاه کنید به: تاک^۲ و ساوسگات^۳، ۱۹۸۱؛ ویلیس^۴، ۱۹۸۳؛ والکر^۵، ۱۹۸۷، کراو^۶، ۱۹۸۷).

برخی مطالعات نشان داده‌اند که این احتمال زیاد است که در لندن افراد سیاه‌پوست از سوی پلیس در خیابان متوقف یا مورد تعقیب واقع شوند. بر اساس یافته‌های والکر در سال ۱۹۸۷ دو توضیح برای این امر وجود دارد: نخست، سیاه‌پوستان و سفیدپوستان به یک اندازه و به دلایل یکسان از سوی پلیس توقیف می‌شوند (و متوقف کردن ثبت می‌شود) و سفیدپوستان متوقف شده، شانس بیشتری دارند که اقدام بعدی برای آنان به عمل نیاید. از سوی دیگر ممکن است سیاه‌پوستان را بنا به دلایل بیشتری متوقف می‌کنند. بنابراین احتمال بیشتری می‌رود تا تحت تعقیب قرار گیرند. یک نتیجه مهم این است که داده‌های مربوط به دستگیری در هلند بنا به تحقیق، شاخص معتبری از (تفاوت‌های) دخالت در جرم از سوی انواع گروه‌های قومی‌اند.

(ب) تفاوت‌ها در فرایند صدور حکم و تعیین مجازات

پس از دستگیری یک فرد چندین حالت برای تصمیم‌گیری درباره او وجود دارد. پلیس هنوز فرصت دارد که تصمیم بگیرد آیا نوجوان باید با وثیقه آزاد شود (برای مثال چون نیاز به کمک دارد) یا به دادستان تحویل داده شود. دادستان تصمیم خواهد گرفت که آیا مظنون را به دادگاه بفرستد یا جرم او قابلیت تعقیب ندارد. اگر پرونده به دادگاه

¹ Albrecht

² Tuck

³ Southgate

⁴ Willis

⁵ Walker

⁶ Crow

فرستاده شود، قاضی در مورد مجرمیت، اتهام و تعیین مجازات مناسب تصمیم‌گیری خواهد کرد.

مطالعات انجام‌شده در هلند بیان می‌کند شواهدی وجود ندارد که دخالت عامل نژادی در تصمیمات پلیس را نشان دهد. وان در هوون^۱ در سال ۱۹۸۶ به این نتیجه رسید که در هنگام مشاهده برخورد بین پلیس و نوجوانان در ایستگاه پلیس، در نتایج موارد مربوط به معاف کردن یا دستگیری رسمی، برای نوجوانان سفیدپوست و اقلیت‌های قومی تفاوتی وجود ندارد. جانگمان^۲ و وندریک^۳ در سال ۱۹۷۶، یونگر - تاس^۴ در سال ۱۹۸۱ و برناسکو^۵ در سال ۱۹۸۷ نیز به نتایج مشابهی دست یافتند. عوامل زیادی بر تصمیم‌ها (از مرحله تعقیب تا رسیدگی و صدور حکم) تأثیر دارند که همگی آن‌ها می‌توانند رابطه بین متغیرهای گروه قومی و تصمیم را تحت تأثیر قرار دهند.

بر اساس بازبینی ادبیات وابسته (به‌ویژه آمریکا) می‌توان نتایج زیر را ارائه داد:^۶

- همه مطالعاتها به این نتیجه رسیده‌اند که عوامل مربوط به سنجش اهمیت جرم، مهم‌ترین عامل پیشگویی‌کننده تصمیم هستند؛
- همه مطالعاتها به این نتیجه رسیده‌اند که عوامل مؤثر بر تصمیم گرفته‌شده با تکرار جرم، بازداشت قبل از محاکمه و نمایندگی قانونی در ارتباط هستند؛ یعنی در این‌که متهم گناهکار محسوب شود یا نه، تأثیر دارند؛
- ویژگی‌های فردی (جنس، سن، و نژاد) در مقایسه با عوامل یادشده، تنها تأثیر اندکی در تصمیم گرفته‌شده دارند.

¹ Van der Hoeven.

² Jangman.

³ Veendric.

⁴ Junger-tas.

⁵ Bernasco.

⁶ برای خوانندگان جالب است در ارتباط با این موضوع مراجعه نمایند به:

Pope, 1978, Kleck, 1981; Jendrek, 1984; Garver, Klepper & Nagin, 1983; Hagan & Bumiller, 1983; Bynum & Paternoster, 1984; Lafree, 1985; Hill, Harris & Miller,

نتایج حاصل شده در هلند به طور گسترده‌ای با نتایج یادشده مشابه هستند. فرید، ماس^۱ و استایلینگ^۲ در سال ۱۹۸۶، مطالعات انجام شده در هلند تا سال ۱۹۸۶ را مورد بازبینی قرار دادند و نتیجه گرفتند که در برخی مراحل فرایند قضایی برخورد با اقلیت‌های قومی در مقایسه با متهمان بومی از خشونت بیشتری برخوردار بوده است. برخی مطالعات شواهدی به دست می‌دهند که آرای سخت‌تری برای اقلیت‌های قومی صادر شده است. ولی در کل، این تأثیرات ناچیز هستند. برای مثال، تیمرمن، بوسما و جانگمان در سال ۱۹۸۶ تفاوت‌هایی بین متهمان اقلیت‌های قومی و متهمان هلندی پیدا کردند. اگرچه نتایج مطالعات آن‌ها نشان داد که در مواقعی تبعیض وجود دارد اما در مورد‌های دیگر، متهمان هلندی در مقایسه با اقلیت‌های قومی به مجازات سخت‌تری محکوم شده بودند. مرکز تحقیقات و مستندسازی^۳ نیز به برخی تفاوت‌ها در رفتار با مهاجران (به‌ویژه ترک‌ها و مراکشی‌ها) دست یافت. بر این اساس، مشخص شد که مهاجران در مقایسه با متهمان هلندی، قبل از محاکمه بیشتر بازداشت شده‌اند (برگیس^۴ و تایگس^۵، ۱۹۸۱). مشکل مقایسه متهمان مهاجر با متهمان هلندی این است که امکان ترک کشور از سوی مهاجران، قبل از محاکمه بیشتر است. همین امر باعث می‌شود که دادستان، از قرار بازداشت برای مهاجران در مقایسه با متهمان هلندی، استفاده بیشتری کند.^۶ هنگام بازداشت متهم قبل از محاکمه، قاضی برای صدور حکم زندان تمایل بیشتری پیدا می‌کند.^۷ واندر ورف^۸ و واندرزی^۱ در سال ۱۹۸۷ محاکمه متهمان مهاجر را با محاکمه متهمان هلندی مقایسه کردند و به نتایج زیر دست یافتند:

^۱ Frid, Maas.

^۲ Stuyling.

^۳ Research by the Research and Documentation Center.

^۴ Berghuis.

^۵ Tigges.

^۱ بسیاری از خارجی‌ان اقامتگاه دائمی در هلند ندارند و این امر می‌تواند دلیلی باشد بر این که دادستان‌ها فرض کنند خارجی‌ان بیشتر احتمال دارد که کشور را قبل از محاکمه ترک کنند و به دلیل ترس از فرار آنان از کشور، متوسل به بازداشت موقت می‌شوند.

^۲ مدت زندان در برخی مواقع به همان اندازه بازداشت موقت است به همین دلیل، بعد از صدور حکم، متهم آزاد می‌شود.

^۸ Van der Werff.

- در اغلب موارد مهاجران، بیشتر از متهمان هلندی از اتهامات وارد شده تبرئه شده بودند؛

- اغلب، دادستان برای مهاجران اندکی بیشتر از پرونده‌های متهمان هلندی خواستار مجازات زندان شده بود. متغیر تابعیت فقط برای ۲ از واریانس داده شده (از کل ۳۰) محاسبه شده بود؛

- تابعیت، در طول مدت زندان یا میزان جزای نقدی تقاضاشده از سوی دادستان تأثیری نداشته است؛

- برای مهاجران بیشتر از متهمان هلندی حکم به کیفر حبس از سوی دادگاه داده شده بود. اگرچه واریانس محاسبه‌شده برای تابعیت ۳ از کل ۳۵ بود؛

- میانگین طول مجازات حبس به متغیر تابعیت وابسته بود.

یکی از مشکلات مطالعه مذکور، ناآگاهی پژوهشگران از حضور یا عدم حضور متهمان در جلسه محاکمه خود بود. عدم حضور متهم در جلسه محاکمه خود، در صورت تکرار می‌تواند به مجازات سنگین‌تری منجر شود. به نظر محققان این واقعیت می‌تواند برخی از تفاوت‌ها را توضیح دهد (واندرورف و واندرزی - نفکنس،^۲ ۱۹۷۸).

به‌طور خلاصه در مطالعات هلند ارتباط کم، اما پیوسته تبعیض علیه اقلیت‌های قومی معلوم شد. این نتایج با نتیجه‌های حاصل از مطالعه پیتیر سیلیا (۱۹۸۵ آمریکا) قابل مقایسه است. وی در یک مطالعه جامع در این زمینه، به این نتیجه رسید که: در صورت خاتمه تعقیب در مراحل اولیه فرایند دادرسی (برای مثال، آزادی بعد از دستگیری و قبل از ورود اتهام) رفتار نظام عدالت در برخورد با متهمان عادی خیلی سخت‌گیرانه به نظر می‌رسد، اما برخورد با متهمان اقلیت با ملایمت است. در صورت ختم پرونده در مراحل آخر دادرسی (برای مثال در ارتباط با استفاده از مجازات حبس)، عکس مورد فوق صادق است.^۳ تحلیل‌ها، هنوز نشان می‌دهد که احتمال محکومیت

^۱ Van der Zee.

^۲ Nefkens.

^۳ اهمیت فزاینده عوامل اضافی قانونی در مراحل آخر فرایند قضایی نوجوانان همچنین مورد اشاره مک‌کارتی و اسمیت در ۱۹۸۶ قرار گرفته است.

سیاهان و اسپانیولی‌ها به مجازات تعلیقی، کمتر است؛ بلکه احتمال بیشتری هست که به مجازات حبس یا به مجازات زندان طولانی‌تری محکوم شوند و مدت زمان بیشتری از مجازات خود را تحمل کنند. در انگلستان، کروو و کووه در سال ۱۹۸۴ و والکر در سال ۱۹۸۷ به این نتیجه رسیدند که در اعمال مجازات‌ها بین گروه‌های قومی تفاوتی وجود ندارد. اگرچه کروو در ۱۹۸۷ از ادبیات مربوطه بازبینی ارائه داده و نتیجه می‌گیرد که تبعیض نژادی وجود دارد. دو شکل از بازبینی ادبیات وجود دارد. تبعیض نسبتاً کم نژادی علیه متهم و فقدان تبعیض نژادی در آغاز فرایند قضایی، با تبعیض نژادی در مراحل آخر، مقایسه شد:

۱. تبعیض نژادی جزئی را که علیه متهم وجود دارد می‌توان توسط عامل بسیار فراموش‌شده در تحقیق بر روی فرایند دادرسی (که همان نژاد بزه‌دیده است)، تبیین کرد. یک نمونه در این زمینه را در مجازات مرگ می‌توان مشاهده کرد. به‌طور کلی، این مطالعات به این نتیجه رسیده‌اند که تبعیض نژادی نقش عمده‌ای در فرایند تعقیب و رسیدگی بازی نمی‌کند. کلک^۱ در سال ۱۹۸۱ استدلال کرد که در پرونده‌هایی که بزه‌دیده از گروه اقلیت است، مجازات‌ها خفیف‌ترند. بسیاری از جرایم بین‌نژادی هستند؛ یعنی در درون جامعه اقلیت‌ها اتفاق می‌افتند. در این صورت خفیف بودن مجازات‌ها در زمانی که بزه‌دیده از گروه اقلیت است، می‌تواند به نفع متهمان اقلیت باشد (کلک ۱۹۸۱). اسمیت در سال ۱۹۸۷ به این نتیجه رسید که رابطه‌ای بین نژاد مرتکب و صدور حکم مجازات مرگ وجود ندارد. اما او همچنین دریافت در هنگامی که بزه‌دیده سفیدپوست بوده، در مقایسه با زمانی که او سیاه‌پوست بوده، صدور مجازات مرگ، بیشتر است (تقریباً دو برابر). همچنین در مجموع زمانی که بزه‌دیده زن بوده است، صدور مجازات مرگ ۱/۵ برابر بیشتر از زمانی است که او مرد است.

۲. برخی مطالعات به شواهدی هرچند اندک از تبعیض نژادی دست یافته‌اند. پیتر سیلیا (۱۹۸۵) توضیحات زیر را برای بیان تفاوت بین رفتار اقلیت‌ها و سفیدپوستان در مراحل اولیه و پایانی فرایند قضایی، ارائه داد. بنا به گفته او در مراحل آغازین فرایند،

^۱ Kleck

تأکید پلیس و دادستان‌ها صرفاً بر **استحقاق** است، زیرا آنان دارای وظیفه قانونی بوده و بر اطلاعات قانونی تمرکز می‌کنند. قضات در کنار جنبه‌های قانونی، نگران استعداد متهمان برای بازپروری و تکرار جرم نیز هستند که خصوصیات فردی و اجتماعی - اقتصادی نقش مهم و تأثیرگذاری در ارزیابی این موارد بازی می‌کنند. سیاه‌پوستان و اسپانیولی‌ها بر اساس این‌گونه ویژگی‌های فردی، احتمالاً بیشتر از سفیدپوستان به‌عنوان **خطر بد** [برای جامعه] محسوب می‌شوند.

ج) مطالعه بر روی بزه‌دیدگان

برخی پژوهشگران به نتایج حاصل از مطالعات بر روی بزه‌دیدگان توجه کرده‌اند. (هیندلانگ، ۱۹۷۸، ۱۹۸۱؛ گووه،^۱ هاگس^۲ و گیرکن،^۳ ۱۹۸۵). این نتایج از آمارهای رسمی استنتاج نشده‌اند.

داده‌های حاصل از مطالعات بر روی بزه‌دیدگان در ارتباط با نژاد مرتکب (بنا به گفته بزه‌دیده)، برآوردی از شمار مرتکبان سیاه‌پوست و سفیدپوست به نسبت کل جمعیت ارائه می‌دهد که تقریباً منطبق بر نتایج حاصل از داده‌های رسمی است (در ایالات متحده آمریکا). هنوز داده‌های رسمی در مقایسه، شاخص معتبری از جرایم به دست می‌دهند. مطالعات بر روی بزه‌دیدگان در هلند شواهدی در این ارتباط به دست نمی‌دهند.^۴

۲-۲. مطالعات خودگزارش‌دهی بزهکاری

در گذشته داده‌های خودگزارش‌دهی بیشتر به دلیل نارضایتی از جانب‌گیری واقعی یا خیالی در آمارهای رسمی استفاده می‌شدند. به نظر می‌رسد بر خلاف داده‌های رسمی، داده‌های خودگزارش‌دهی به تفاوت‌چندانی بین نوجوانان اقلیت‌های قومی و

^۱ Gove.

^۲ Hughes.

^۳ Geerken.

^۴ یک دلیل این است که تاکنون مجریان مطالعات بر روی قربانیان در هلند در ترغیب کافی اعضای اقلیت‌های قومی برای مشارکت در پیمایش مشکل داشته‌اند.

نوجوانان سفیدپوست دست پیدا نکرده‌اند (نگاه کنید به: بازیینی ادبیات: پاپ،^۱ ۱۹۷۹؛ هیندلانگ،^۲ هیرشی^۳ و ویس،^۴ ۱۹۷۹، ۱۹۸۱).

بر اساس این اختلاف، به نظر می‌رسد که داده‌های رسمی قویا علیه اقلیت‌های قومی جانب‌گیری کرده‌اند. در عین حال، به نظر می‌رسد مطالعات خودگزارش‌دهی ابزار خوبی برای سنجش دخالت در ارتکاب جرم از سوی اقلیت‌های قومی‌اند. اگرچه مطالعات بعدی نشان داد که داده‌های مربوط به دستگیری‌های رسمی آن قدر که انتظار می‌رفت، جانب‌دارانه نیستند. بنابراین مشکل توضیح تفاوت بین دو روش سنجش با نگرش انتقادی به مطالعات خودگزارش‌دهی بود.

در این بخش درباره اعتبار مطالعات خودگزارش‌دهی بزهکاری بحث خواهد شد. ابتدا، چگونگی تفسیر تفاوت‌های بین نتایج دو نوع سنجش (داده‌های رسمی و خودگزارش‌دهی) ارائه خواهد شد. بنابراین یک جنبه خاص از مطالعات خودگزارش‌دهی بحث می‌شود. سپس به این مورد پرداخته می‌شود که چرا آن‌ها دارای ارزش برابر نیستند (مشکل تفاوت در اعتبار) و برای هر دو دسته بررسی می‌شود. در نهایت، نتایج حاصل از یک مطالعه در هلند در ارتباط با اعتبار داده‌های حاصل از مطالعات خودگزارش‌دهی ارائه خواهد شد.

الف) جانب‌گیری در مطالعات خودگزارش‌دهی

چنان‌که در بالا نشان دادیم، داده‌های مربوط به دستگیری‌ها، علیه اقلیت‌ها جانب‌گیری نشده‌اند و یقیناً به گونه شدیدی علیه آن‌ها ترتیب داده نشده‌اند. البته این امر در ارتباط با داده‌های مربوط به اعمال نفوذ در فرایند قضایی، از صحت کمتری برخوردار است، اما به نظر می‌رسد که این نتیجه می‌تواند توجیه‌گر این امر باشد که داده‌های مربوط به دستگیری‌ها، می‌تواند سنجشی قابل قبول از دخالت در جرم از سوی انواع گروه‌های قومی باشد. اعتبار نسبی داده‌های رسمی مربوط به دستگیری‌ها، به نگرش دقیق پژوهشگران به مطالعات خودگزارش‌دهی در مقایسه با آمارهای دستگیری

¹ Pope

² Hindelange

³ Hirschi

⁴ Weis

رسمی، منجر شد. (افزون بر سایرین: هیندلانگ،^۱ هیرشی^۲ و ویس،^۳ ۱۹۷۹؛ الیوت^۴ و آگتون،^۵ ۱۹۸۵؛ بلومه، ۱۹۸۳).

در بیان علت تفاوت بین داده‌های رسمی و داده‌های حاصل از خودگزارش‌دهی، برخی جنبه‌های روش‌شناختی وجود دارند. الیوت و آگتون در ۱۹۸۰ به سه مشکل عمده در ارتباط با داده‌های حاصل از مطالعات خودگزارش‌دهی اشاره کرده‌اند:

- داده‌های حاصل از مطالعات خودگزارش‌دهی، در مقایسه با آمارهای رسمی، زمینه نسبتاً متفاوت رفتاری را پوشش می‌دهند. این مطالعات، اغلب شامل پدیده‌هایی‌اند که به‌ندرت می‌توان آن‌ها را به‌عنوان جرم در نظر گرفت (مانند: پرسه‌زنی، فرار و ولگردی). همچنین این داده‌ها بسیاری از عناصر سنجش جرایم کوچک را در برمی‌گیرند (مثل سرقت‌های کوچک یا ولگردی در معابر عام) که احتمالاً به برخورد با پلیس منجر نمی‌شوند. بنابراین داده‌های حاصل از خودگزارش‌دهی از نظر حجم، بیشتر با جرایم کوچک در ارتباط هستند که به نظر می‌رسد اکثر نوجوانان حداقل یک‌بار در عمرشان آن را مرتکب می‌شوند (چنان‌که در مطالعات خودگزارش‌دهی معلوم شد).

- در برآوردهای خودگزارش‌دهی در مورد تکرار اعمال مجرمانه، معمولاً گزینه‌هایی نظیر هرگز، یک‌بار یا دو بار، سه بار یا بیشتر در اختیار پاسخ‌گو قرار می‌گیرد تا از میان آن‌ها انتخاب کند. در نتیجه نمی‌توان جرم مستمر را به‌خوبی برآورد کرد.

- مطالعات خودگزارش‌دهی، معمولاً دربردارنده یک نمونه آماری از میان کودکان مدرسه است؛ در صورتی که آنان نمایندگان کل جامعه نوجوانان نیستند.

بر خلاف محدودیت‌های مربوط به برآوردهای حاصل از مطالعات خودگزارش‌دهی، داده‌های رسمی اکثراً دربردارنده جرایم مهم و از میان کل جمعیت هستند و نسبت به داده‌های خودگزارش‌دهی برآورد بهتری از تکرار جرم و جرایم خطرناک به دست می‌دهند. با توجه به این تفاوت‌ها و ویژگی‌های داده‌های خودگزارش‌دهی که در بالا

¹ HineLang

² Hirschi

³ Weis

⁴ Elliott

⁵ Ageton

اشاره شد، پژوهشگران نتیجه گرفتند که رابطه بین متغیرهای دموگرافیک (نظیر سن، جنس و نژاد و ...) و رفتار مجرمانه در هر یک از انواع نمونه داده‌ها، خیلی متفاوت نیست (هیندلانگ، هیرشی و ویس، ۱۹۷۹؛ الیوت و اگتون، ۱۹۸۰؛ بلومه، ۱۹۸۳).

الیوت و اگتون در سال ۱۹۸۰ یک مطالعه خودگزارش‌دهی انجام دادند و آن را طوری طراحی کردند تا بتوانند از تله اشاره شده در بالا پرهیز کنند. آنان پی بردند که بر خلاف خیلی از مطالعات خودگزارش‌دهی، نوجوانان سیاه‌پوست در مقایسه با نوجوانان سفیدپوست، اعمال مجرمانه بیشتری را گزارش می‌کنند.

ب) اعتبار افتراقی^۱

اساس مطالعات خودگزارش‌دهی بر این فرض استوار است که مصاحبه‌شوندگان (اکثراً نوجوانان) برای پاسخ دادن به پرسش‌هایی که با مسائل حساسی (نظیر فعالیت‌های مجرمانه ایشان) در ارتباط است، داوطلبند. بسیاری از مطالعات مربوط به اعتبار داده‌های خودگزارش‌دهی، این فرضیه را تأیید می‌کنند.^۲ این امر در واقع چنان جا افتاده است که پژوهشگران انجام‌دهنده مطالعات خودگزارش‌دهی، به‌ندرت اعتبار نتایج آن‌ها را بررسی می‌کنند (مراجعه کنید به نوشته‌های هوایزینگا^۳ و الیوت، ۱۹۸۶؛ یونگر، آماده چاپ). در عین حال، با توجه به سنجش جرایم انواع گروه‌های قومی، یک مشکل مهم باقی می‌ماند که همان اعتبار افتراقی است. در بسیاری از مطالعات خودگزارش‌دهی، معلوم شد که ۱۰ تا ۲۰ درصد پاسخ‌دهندگان رفتار مجرمانه را نپذیرفته‌اند (داده‌های خودگزارش‌دهی مکرراً با داده‌های رسمی مقایسه شده‌اند). اگر این درصد مستقل از قومیت باشد، مطالعات خودگزارش‌دهی می‌تواند ابزار سنجش معقولی برای اعمال مجرمانه باشد. متأسفانه در واقعیت چنین نیست. هیندلانگ، هیرشی و ویس در سال

^۱ Differential Validity.

^۲ برای ملاحظه ادبیات این موضوع مراجعه کنید به:

Hindelang, Hirsch & weis, 1981; Elliott & Ageton, 1980; Huizinga & Elliott, 1984.

^۳ Huizinga.

۱۹۸۱ و هوایزینگا و الیوت در ۱۹۸۴ پی بردند که این اعتبار برای سیاه‌پوستان کمتر از سفیدپوستان است.

سایر عوامل (جدای از گروه قومی) نیز در اعتبار داده‌های خودگزارش‌دهی دخالت دارند. هیندلانگ، هیرشی و ویس در ۱۹۸۱ پی بردند که موفقیت‌های مدرسه با اعتبار داده‌های حاصل از مطالعات خودگزارش‌دهی مرتبط‌اند؛ بدین معنی که داده‌های حاصل از نوجوانان دارای نتایج مدرسه‌ای بد، در مقایسه داده‌های حاصل از نوجوانان دارای نتایج مدرسه‌ای خوب، از اعتبار کمتری برخوردارند. عامل دیگر مرتبط با اعتبار، اهمیت جرم است. اگرچه ارتباط بین این دو از ثبات برخوردار نیست، اما در برخی مطالعات معلوم شد که نتایج حاصل از پاسخ‌گویی که جرایم سنگین مرتکب شده‌اند، در اغلب موارد معتبرتر از نتایج حاصل از پاسخ‌دهندگانی بود که مرتکب جرایم کوچک شده بودند (واینز، ۱۹۸۰؛ هیندلانگ، هیرشی و ویس ۱۹۸۱). پیتز سیلیا در ۱۹۸۷ به نتیجه عکس رسید: جرایم بسیار مهم مکرراً در مصاحبه از سوی پاسخ‌گویان، در مقایسه با جرایم کم‌اهمیت، مورد اشاره قرار گرفته بودند.^۱

الیوت در ۱۹۸۲ بیان کرد که یک توضیح برای این تفاوت در اعتبار، وجود دارد. بنا بر گفته او، چون بازداشت بدون توجیه سیاهان را می‌توان برای توضیح تفاوت در اعتبار داده‌ها مد نظر قرار داد، پاسخ‌گویی را که اغلب موارد بدون توجیه بازداشت شده‌اند، می‌توان در آمارهای پلیس پیدا کرد. اما اگر توجه کنید که آنان بی‌گناهند معمولاً به رفتار مجرمانه اشاره‌ای نمی‌کنند. هوایزینگا و الیوت در ۱۹۸۶ بعد از بازبینی ادبیات مربوطه پی بردند که تفاوت در اعتبار اکثراً بدون توضیح باقی می‌ماند.

ج) اعتبار داده‌ها

در این بخش نتایج یک مطالعه راجع به اعتبار داده‌ها ارائه خواهد شد. این مطالعه جامع برای پاسخ به این سؤال طراحی شده بود که میزان دخالت در رفتار مجرمانه از سوی گروه‌های قومی مختلف در هلند چقدر است؟ داده‌های به دست آمده از

^۲ یافته‌های او بر اساس گزارش‌های زندانیان بود. این نشان می‌دهد که باید در مقایسه با افراد معمولی (برای مثال شاگردان مدرسه یا نمونه‌های تصادفی از نوجوانان) که برای برآورد جرم از طریق خودگزارش‌دهی مورد مصاحبه قرار می‌گیرند، دقت شود.

خود گزارش‌دهی رفتارهای مجرمانه و داده‌های رسمی جمع‌آوری شدند. قرار بر این شد که نمونه نوجوانان اقلیت‌های قومی، به صورت تصادفی انتخاب شود، اما نوجوانان هلندی باید از یک گروه قابل مقایسه با آنان از نظر پیش‌زمینه اجتماعی - دموگرافیک، انتخاب می‌شدند. فرض بر این بود که وقتی شرایط اجتماعی - اقتصادی مد نظر قرار بگیرند، تفاوت در میزان ارتکاب اعمال مجرمانه از بین خواهد رفت (آلبرشت، ۱۹۸۴، ۱۹۸۷؛ وان در هون، ۱۹۸۶). نوجوانان سنین ۱۲ تا ۱۷ سال از چهار گروه قومی مراکشی‌ها، ترک‌ها، سورینامی‌ها و هلندی‌ها،^۱ مورد مصاحبه قرار گرفتند.

در ازای سه نوجوان اقلیت مصاحبه‌شده، یک نوجوان هلندی که در همان خیابان زندگی می‌کرد و در همان رده سنی بود، مورد مصاحبه قرار گرفت. فرض بر این بود که این روش، یک نمونه هلندی با پیش‌زمینه اجتماعی - دموگرافیک، نتایجی مشابه اقلیت‌های قومی را نشان بدهد (همچنین نگاه کنید به بخش ۲-۴).

مطالعات خود گزارش‌دهی بر اساس نوزده پرسش در خصوص فعالیت‌های مجرمانه بود که در انتهای مصاحبه قرار داده شده بودند. همچنین از پاسخ‌دهندگان خواسته شده بود تا چنان‌که در طی سال جاری مرتکب عمل مجرمانه خاصی شده‌اند و یا این‌که در نتیجه ارتکاب عمل مجرمانه با پلیس برخورد داشته‌اند، مشخص کنند. دو ابزار سنجش، خود گزارش‌دهی اعمال مجرمانه سال گذشته و برخورد با پلیس،^۲ بود. اطلاعات مربوط به دستگیری‌ها، از برخوردهای رسمی موجود در ایستگاه پلیس و مرکز اسناد قضایی گرفته شده بود و مصاحبه‌ها نیز توسط یک آژانس حرفه‌ای پیمایش، انجام شد.^۳ تحلیل‌هایی که در ادامه ذکر می‌شوند برای آن بخش از نمونه‌ها که در طی سال جاری با پلیس برخورد رسمی داشته‌اند، انجام شد. اعتبار با پاسخ اشتباه عملیاتی شد؛

^۱ هلندی‌ها به این دلیل انتخاب شدند که بیشترین جمعیت اقلیت‌های قومی را در هلند تشکیل می‌دهند.

^۱ یک برخورد ثبت‌شده با پلیس به این معنی است که پلیس در اداره خود ثبت کرده است که نوجوانی مرتکب جرم شده است.

^۲ گفته شده است که یک مصاحبه حرفه‌ای و وظیفه‌محور احتمالاً بهترین راه‌حل در مورد اقلیت‌های قومی است (ویس، ۱۹۷۷) و جانب‌گیری بر اساس تمایلات اجتماعی را کاهش می‌دهد (ندر هوف، ۱۹۸۵).

به این صورت که یک پاسخ، وقتی به‌عنوان **اشتباه پاسخ‌دهنده** تلقی می‌شد که معلوم می‌شد او با پلیس برخورد داشته اما در مصاحبه شفافیه ارتکاب هیچ جرمی را نپذیرفته است. سنجش‌های **پاسخ اشتباه** به دو دسته تقسیم شدند: نوجوانی که با پلیس برخورد داشته و حداقل یک عمل مجرمانه را در طی مصاحبه گزارش کرده یا نکرده است. بنابراین دو عامل پاسخ اشتباه برای اعمال مجرمانه و پاسخ اشتباه برای برخورد با پلیس را می‌تواند از هم تفکیک کرد.

به‌نظر می‌رسد پاسخ‌های اشتباه (جدول ۱) در مورد برخورد با پلیس خیلی بیشتر از اعمال مجرمانه (۳۹) تکرار شده‌اند (۷۷ در کل). بیشتر نوجوانان در پذیرش برخورد با پلیس در مقایسه با پذیرش رفتار مجرمانه مشکل دارند.

به‌ویژه، برخی تفاوت‌های قابل توجه در **پاسخ اشتباه** بین بعضی گروه‌های قومی وجود دارد. احتمال این‌که یک پسر نخواهد به یک عمل مجرمانه اشاره بکند (که انجام داده)، برای نوجوانان مراکشی و ترک در مقایسه با نوجوانان سورینامی و هلندی (به ترتیب ۱۰ و ۸) بسیار بیشتر است (به ترتیب ۵۱ و ۶۴). برای **پاسخ‌های اشتباه** مربوط به برخورد با پلیس، از نظر آماری تفاوت معناداری به دست نیامد. بر اساس نتایج به دست آمده، معلوم می‌شود که برآوردهای خودگزارش‌دهی از اعمال مجرمانه برای پسران مراکشی و ترک در مقایسه با پسران سورینامی و هلندی، از اعتبار کمتری برخوردارند. زمانی که این کار در ارتباط با پذیرش برخورد با پلیس صورت گرفت، تفاوتی مشاهده نشد. بر این اساس می‌توان پیشنهاد کرد که برخوردهای ثبت‌شده، احتمالاً سنجش ارزیابی بهتری از دخالت در ارتکاب اعمال مجرمانه از سوی چهار گروه قومی در مقایسه با داده‌های خودگزارش‌دهی محسوب می‌شوند؛ اگرچه با توجه به اعتبار نسبتاً کم میزان برخوردها [با پلیس]، جایگزینی آن با میزان اعمال مجرمانه خیلی دشوار است.

جدول شماره ۱

درصد نمونه نوجوانان از سن ۱۲ الی ۱۷ سال که از پذیرش عمل مجرمانه یا برخورد با پلیس خودداری کرده‌اند (پاسخ اشتباه)*.

	مراکشی ها	ترک‌ها	سورینامی‌ها	هلندی‌ها	کل
اعمال مجرمانه سال گذشته **	(N=3 9) ۵۱	(N=2 2) ۶۴	(N=20) ۱۰	(N=13) ۸	(N=94) ۱ ۳۹
برخورد با پلیس در سال گذشته***	(N=3 9) ۷۲	(N=2 2) ۹۱	(N=20) ۸۰	(N=13) ۶۲	(N=94)) ۷۷

* گرفته شده از پسران با برخورد رسمی ثبت‌شده با پلیس

- x^2 (کای اسکوار) برابر $۲۰/۴$ ، درجه آزادی مساوی ۳، سطح معنی‌داری $۰/۰۰۰۱$

- x^2 (کای اسکوار) مساوی $۴/۸$ ، درجه آزادی مساوی ۳، سطح معنی‌داری $۰/۱۹$

** $x^2= 20/4$, $df=3$, $p=0/0001$

*** $x^2= 4/8$, $df=3$, $p=0/19$

نتایج مذکور شبیه نتایجی است که هیندلانگ، هیرشی و ویس در سال ۱۹۸۱ و هوایزینگا و بیوت در سال ۱۹۸۶ به آن دست یافتند. با این تفاوت کم‌اهمیت که این دو مطالعه به تفاوت‌هایی در اعتبار بین داده‌های حاصل از سیاه‌پوستان و سفیدپوستان دست پیدا کردند. در هلند، سورینامی‌ها را می‌توان به‌عنوان هلندی (سفید) تلقی کرد. داده‌های به دست آمده از ترک‌ها و مراکشی‌ها اعتبار کمتری دارند، بنابراین تفاوت در اعتبار داده‌های این دو گروه قومی احتمالاً فرهنگی‌اند تا قومی؛ به عبارتی مذاهب اسلامی در مقابل مذاهب غیر اسلامی قرار می‌گیرند.

^۱ N همان تعداد نمونه است.

همان‌طور که در بالا اشاره شد، الیوت در سال ۱۹۸۲ پیشنهاد کرد که توجه به اعمال تبعیض نژادی از سوی پلیس، می‌تواند تفاوت در اعتبار داده‌ها میان گروه‌های قومی را توضیح دهد. در مطالعه هلند به نظر می‌رسد این امر در پرتو توجه به اعمال تبعیض آمیز از سوی پلیس بسیار غیرمتمم است، زیرا به نظر نمی‌رسد پلیس علیه ترک‌ها و مراکشی‌ها قائل به تبعیض بشود، اما علیه سورینامی‌ها نشود. یونگر در سال ۱۹۸۹ توضیحی برای بروز پاسخ اشتباه ارائه داد که می‌تواند تفاوت‌های موجود در اعتبار داده‌ها میان چهار گروه قومی را توضیح دهد.

۲-۳. مداخله افتراقی در رفتار مجرمانه

در این بخش، مداخله در ارتکاب اعمال مجرمانه، آزموده خواهد شد. چنان‌که در بالا اشاره شد، نوجوانان هلندی در این مطالعه نمونه‌ای به نمایندگی از کل جامعه هلند نیستند. نکته این است که تا چه حدی گروه مقایسه‌ای، از نظر پیش‌زمینه اجتماعی - دموگرافیک خودش، به اقلیت‌ها شبیه است. خصوصیات چهار گروه قومی در پرتو برخی از عوامل مورد مطالعه قرار گرفت. در مجموع، پسران مصاحبه‌شده در این مطالعه که به زبان هلندی صحبت می‌کردند، در مقایسه با میانگین پسران هلندی، از پیش‌زمینه اجتماعی - اقتصادی پایین‌تری برخوردار بودند. گروه هلندی مصاحبه‌شده در این مطالعه، با یک نمونه نمایندگی‌کننده کل جامعه پسران هلندی مقایسه شد و معلوم شد که پسران هلندی مورد مصاحبه در این مطالعه، اغلب موارد از خانواده‌هایی با وضعیت اجتماعی - اقتصادی قابل مقایسه‌اند. البته بین چهار گروه قومی، با توجه به بسیاری از عوامل تشکیل‌دهنده پیش‌زمینه اقتصادی - اجتماعی آن‌ها، تفاوت‌هایی به دست آمد. در برخی از این عوامل به‌نظر می‌رسد که ترک‌ها و مراکشی‌ها در مقابل هلندی‌ها و سورینامی‌ها در وضعیت مشابهی‌اند. پسران مراکشی و ترک در مقایسه با پسران سورینامی اکثراً از خانواده‌هایی‌اند که پدر، کارگری غیر ماهر است. ترک‌ها و مراکشی‌ها اغلب موارد در مدارس آموزش دیده‌اند که سطح آن‌ها پایین‌تر از مدارس است که پسران هلندی و سورینامی آموزش دیده‌اند. در ارتباط با سایر عوامل حتی به نظر می‌رسد مراکشی‌ها در وضعیت پایین‌تری هستند. پدران ۴۰ پسران مصاحبه‌شده

مراکشی، بی‌کارند؛ در میان ترک‌ها و سورینامی‌ها این درصد ۳۲٪ و در میان هلندی‌ها ۱۷ است. خانواده‌های مراکشی که دارای مادران شاغل باشند، ۶، خانواده‌های ترک ۲۶، سورینامی‌ها ۳۴ و هلندی‌ها ۳۷ است. این امر نشانگر تمایل بیشتر خانواده‌های سورینامی به سمت فرهنگ غربی است. همچنین نمایانگر آن است که در مقایسه با خانواده‌های ترک، کمتر سنتی هستند. پسران مراکشی در مقایسه با پسران ترک و سورینامی، مدت زمان کمتری است که در هلند به سر می‌برند. در نتیجه این امر که پسران هلندی و سورینامی عموماً در وضعیت مشابهی به سر می‌برند، توجیه می‌شود. پسران مراکشی و ترک از جهات زیادی در وضعیت مشابهی هستند. اگرچه از برخی جهات به نظر می‌رسد که خانواده‌های مراکشی در سطحی پایین‌تر از خانواده‌های ترک هستند.

بنابراین شباهت‌های بین پسران هلندی و اقلیت فقط در برخی عوامل جزئی بود. پسران هلندی مورد مصاحبه، متفاوت از نمونه شاهد پسران هلندی بودند. همچنین از پسران ترک و مراکشی هم متفاوت بودند. اگرچه این موضوع درست نیست که می‌توان به تشابه مطلق بین گروه‌ها نائل شد. برای مثال ما نمی‌توانیم همان درصد بی‌سوادی را که در میان والدین پسران هلندی است، برای والدین پسران مراکشی هم انتظار داشته باشیم. توازن کامل بین انواع گروه‌های قومی، در واقع غیرممکن است.^۱

^۱ در اینجا خطر به پایان رسیدن با ورود به دور وجود دارد: برخی تشابهات در متغیرهای پیش‌زمینه، معیار اعمال مجرمانه خواهد بود. برای دانستن این که گروه‌های قومی واقعا دارای خصوصیات اجتماعی - دموگرافیک مشابه هستند، تفاوت‌ها در اعمال مجرمانه باید مطالعه شوند. تا جایی که تفاوت‌ها در میزان جرایم پابرجا هستند، محققان به تفاوت‌ها در متغیرهای پیش‌زمینه توجه خواهند کرد.

جدول شماره ۲

درصد مواردی که با پلیس برخورد داشته‌اند یا به نزد دادستان فرستاده شده‌اند.

دستگیر شده‌اید «هیچ وقت»	مراکشی‌ها	ترک‌ها	سورینامی‌ها	گروه کنترل هلندی	Hague/Venlo گروه هلندی	X ² خی دو ^۱	df درجه آزادی	P سطح معنی‌داری
۱۲-۱۳ساله	۲۱	۹	۱۸	۱۱	۰۰۴	۵/۲	۳	۰/۱۶
۱۴-۱۵ساله	۳۵	۲۳	۲۲	۱۱	۱۳*** ns	۱۱/۸	۳	۰/۰۰۸
۱۶-۱۷ساله	۴۹	۳۷	۳۲	۳۰	۱۵	۴/۵	۳	۰/۲۱
تحت پیگرد بوده‌اید «هیچ وقت»	مراکشی‌ها	ترک‌ها	سورینامی‌ها	هلندی	Hague/Venlo	X ²	df	P
۱۲-۱۳ساله	۵	—	—	۳	۰۱	۶/۴	۳	۰/۰۹
۱۴-۱۵ساله	۱۹	۸	۷	۲	۲ ns	۱۱/۶	۳	۰/۰۰۹
۱۶-۱۷ساله	۲۶	۱۸	۱۵	۱۹	۷	۲	۳	۰/۵۸
سال گذشته دستگیر شده‌اید	مراکشی‌ها	ترک‌ها	سورینامی‌ها	هلندی	Hague/Venlo	X ²	df	P
۱۲-۱۳ساله	۱۱	۴	۸	۶	۳ ns	۳/۳	۳	۰/۳۵
۱۴-۱۵ساله	۲۵	۱۵	۷	۸	۸ ns	۱۱/۷	۳	۰/۰۰۹
۱۶-۱۷ساله	۲۸	۱۲	۱۵	۵	۹ ns	۸/۹	۳	۰/۳
موارد ارسالی به دادگاه «هیچ وقت»	مراکشی‌ها	ترک‌ها	سورینامی‌ها	هلندی	Hague/Venlo	X ²	df	P
۱۲-۱۳ساله	—	—	—	—	۰/۵ ns	—	—	—
۱۴-۱۵ساله	۳	—	—	۱	۰/۴ ns	۴/۶	۳	۰/۲
۱۶-۱۷ساله	۲	۲	۶	۵	۳ ns	۱/۸	۳	۰/۶۲
تعداد افراد	مراکشی‌ها	ترک‌ها	سورینامی‌ها	هلندی	Hague/Venlo			
۱۲-۱۳ساله	۸۲	۵۷	۶۵	۸۸	۴۳۵			
۱۴-۱۵ساله	۶۵	۹۵	۶۸	۷۹	۴۸۰			
۱۶-۱۷ساله	۵۱	۵۱	۵۳	۳۷	۳۵۵			

اکنون مسئله دخالت در جرم بررسی خواهد شد. به‌عنوان یک نتیجه اعتبار افتراقی برآوردهای خودگزارش‌دهی از اعمال مجرمانه، داده‌های رسمی برای این منظور استفاده

^۲ خی دو (X²) برای ۴ گروه قومی در مطالعه حاضر محاسبه شده است.
 * سطح معنی‌داری ۰/۰۵ خی دو برای مقایسه دو گروه هلندی استفاده شده (P < ۰/۰۵).
 ** سطح معنی‌داری ۰/۰۰۵ خی دو برای مقایسه دو گروه هلندی بکار رفته است (P < ۰/۰۰۵).
 *** ns یعنی از نظر آماری معنی‌دار نیست (Non Significant).

می‌شود. سه گروه اقلیت قومی با دو گروه هلندی مقایسه خواهند شد. اول، همچنان‌که در بالا اشاره شد، یک گروه کنترل وجود دارد: اعضای این گروه پسرانی هستند با سابقه اجتماعی قابل مقایسه با اقلیت‌های قومی. دوم، از مطالعه قبلی نتایجی مورد استفاده قرار گرفته است. این مطالعه شامل یک نمونه تصادفی از پسرانی است که در هاگو^۱ (شهر ۴۷۵ هزار نفری) و ونلو^۲ (شهر ۷۵ هزار نفری)^۳ زندگی می‌کردند. نتایج حاصل از تحقیق اخیر مطالعه لاهه و ونلو ارائه خواهد شد (تعداد نمونه ۱۲۷۰ نفر). بنابراین اینجا یک گروه کنترل و یک گروه از میانگین پسران هلندی وجود دارد.

به منظور سنجش اعمال مجرمانه، فهرستی رسمی از ۵ گروه قومی (مراکشی‌ها، ترک‌ها، سورینامی‌ها و دو گروه هلندی) در معرض آزمایش قرار گرفتند (جدول شماره ۲). سه ابزار سنجش مورد استفاده قرار گرفت: تعداد نوجوانانی که برخورد آنان با پلیس با گزینه‌های هیچ‌وقت یا در طی سال گذشته ثبت شده بود؛ تعداد نوجوانانی که مورد آن‌ها به دادستانی فرستاده شده بود و آنانی که پرونده‌شان به دادگاه ارسال شده بود (اکثراً بر اساس اهمیت جرم).

نتایج حاصل از سه ابزار سنجش اعمال مجرمانه را به شرح زیر می‌توان خلاصه کرد:

- حضور در دادگاه؛

نتیجه اولیه در خصوص ارسال‌شدگان به دادگاه این است که هیچ تفاوتی بین پنج گروه قومی وجود ندارد.

- در ارتباط با گزینه‌های دستگیر شده‌اید هیچ‌وقت، مورد پیگرد واقع شده‌اید هیچ‌وقت، نتایج زیر به دست آمد:

^۱ Hague

^۲ Venlo

^۳ همچنان‌که پسران حاضر در این مطالعه همه در همان شهرها زندگی می‌کنند که مطالعه هاگو/ ونلو انجام شده است. بنابراین دلیل خوبی است برای مقایسه این دو مطالعه.

در مجموع تفاوتی بین اقلیت‌های قومی و گروه شاهد پسران هلندی در رده‌های سنی ۱۲-۱۳ سال و ۱۶-۱۷ سال به دست نیامد. مقدار میانگین، بالاتر از میانگین نمونه پسران هلندی به نمایندگی از کل جامعه است.

در گروه سنی ۱۴ تا ۱۵ سال بین دو گروه هلندی تفاوتی مشاهده نشد. در عین حال، دخالت در ارتکاب اعمال مجرمانه برای نوجوانان اقلیت‌های قومی بالاتر از نوجوانان هلندی است. ۱۱ گروه کنترل هلندی، حداقل یک‌بار در ۱۴ تا ۱۵ سالگی دستگیر شده بودند. برای سورینامی‌ها و ترک‌ها این درصد به ترتیب ۲۲ و ۲۳ درصد و برای مراکشی‌ها ۳۵ بود. احتمال برخورد با پلیس و دادستان به‌طور اجمالی برای پسران سورینامی و ترک‌ها در مقایسه با پسران هلندی دو برابر و برای پسران مراکشی سه برابر است.

- گزینه دستگیر شده در طی سال گذشته؛

در گروه سنی ۱۲-۱۳ ساله هیچ تفاوتی بین پنج گروه قومی مشاهده نشد. در گروه ۱۴-۱۵ ساله، میزان دستگیری پسران مراکشی نسبتاً بالا است؛ ۲۵ پسران مراکشی در برخی موارد از سوی پلیس دستگیر شده بودند. تعداد دستگیر شدگان در میان پسران ترک ۱۵، سورینامی‌ها ۷ و پسران هلندی در هر دو نمونه، ۸ است.

در رده سنی ۱۶-۱۷ ساله میزان دستگیری برای پسران ترک و سورینامی ۲ الی ۳ برابر (به ترتیب ۱۲ و ۱۵) بیشتر از پسران هلندی (۵ برای گروه قابل مقایسه) است، در حالی که برای پسران مراکشی ۲۸ است (بیشتر از ۵ برابر پسران هلندی).

الف) تکرار دستگیری

اکثریت پسرانی که دستگیر شده بودند، تنها یک برخورد با پلیس داشتند (۵۳)؛ ۲۳ دو برخورد و ۲۴ سه برخورد یا بیشتر داشته‌اند. تفاوتی در ارتباط با گروه قومی، نه برای کل تعداد دستگیری‌ها و نه برای تعداد دستگیری‌ها برای گزینه در طی سال گذشته، مشاهده نشد (P= ۵۱ و P= ۳۷ به ترتیب).

ب) گونه‌های جرایم

اطلاعاتی بر اساس نوع عمل مجرمانه جمع‌آوری شد. اعمال مجرمانه به سرقت کوچک (۴۶)، جرایم شدید علیه اموال (۱۰)، آزار و اذیت (۳)، ویرانگری (۷)، جرایم جنسی (۲) و جرایم وضعیتی یا ترکیبی از موردهای بالا (۳۲)، طبقه‌بندی شدند. تفاوتی در نوع اعمال مجرمانه ارتكابی در میان گروه‌های قومی مشاهده نشد. در مجموع، تفاوت عمده‌ای میان نوجوانان اقلیت و نوجوانان قابل مقایسه هلندی وجود نداشت. از میان ۱۲ عامل مورد مقایسه، فقط چهار مورد از نظر آماری معنادار بودند؛ با سطح معنی‌داری ($P < 0.05$).

در جوان‌ترین رده سنی، تفاوتی مشاهده نشد. اگرچه نوجوانان حاضر در این مطالعه، در مقایسه با میانگین نوجوانان هلندی، بیشتر در اعمال مجرمانه دخالت داشتند. پسران مراکشی ۱۵-۱۴ ساله در مقایسه با پسران هلندی، به میزان نسبتاً بیشتری در اعمال مجرمانه دخالت داشتند تا پسران هلندی (از هر دو نمونه). پسران ترک و سورینامی در برخی موارد در حد وسط قرار دارند. در رده سنی ۱۷-۱۶ ساله میزان سالیانه آزار و اذیت از همان الگو پیروی می‌کند: نسبتاً زیاد برای مراکشی‌ها، نسبتاً کم برای دو گروه هلندی و ترک‌ها. سورینامی‌ها در حد وسط قرار دارند. برای پاسخ‌های مربوط به گزینه **هیچ‌وقت**، تفاوتی بین نوجوانان اقلیت و گروه کنترل هلندی مشاهده نشد و همچنین تفاوتی در شکل دخالت در رفتار مجرمانه نیز به دست نیامد. از این نتایج معلوم می‌شود که تفاوت در میزان جرایم نوجوانان اقلیت‌های قومی در مقایسه با میانگین پسران هلندی، در صورت استفاده از یک گروه هلندی با پیش‌زمینه اجتماعی - دموگرافیک مشابه، کاهش می‌یابد، اما به کلی حذف نمی‌شود. در مجموع، تفاوت‌های آشکاری بین گروه‌های قومی وجود دارد. پسران مراکشی در مقایسه با سایر گروه‌های قومی، میزان زیادی از جرایم را مرتکب شده‌اند.

در بررسی ادبیات مربوط، شواهدی مبنی بر تبعیض نژادی در داده‌های مربوط به دستگیری‌ها، به دست نیامد، اما معلوم شد در برخی از مراحل بعدی نظام قضایی (تصمیمات دادستان و دادگاه) این امر وجود داشته است. لازم به یادآوری است که این

نمونه‌ها مربوط به نظام قضایی نوجوانان است، در حالی که ادبیات ذکرشده در بالا اکثراً مربوط به بزرگسالان است. در عین حال می‌توان انتظار داشت که تفاوت‌ها در میزان دخالت در ارتکاب جرم در مراحل پایانی فرایند قضایی در مقایسه با مراحل آغازین آن بیشتر باشد (نگاه کنید به بخش دوم). بر خلاف این ادعا، شایان توجه است که تفاوت‌ها در میزان دخالت در جرم در میان گروه‌های قومی، در مراحل پایانی فرایند رسیدگی (دادگاه) مشابه هم هستند. افزون بر این، به نظر می‌رسد این یافته‌ها اشاره به این واقعیت دارند که احتمالاً تبعیض نژادی، تأثیر کمی در نظام قضایی نوجوانان دارد. همچنین بر این واقعیت نیز تأکید دارد که دخالت بیشتر مراکشی‌ها در ارتکاب اعمال مجرمانه و دخالت نسبتاً کمتر ترک‌ها و سورینامی‌ها در مقایسه با پسران گروه کنترل هلندی، به دلیل دخالت بالا در اعمال مجرمانه کم‌اهمیت است. نتایج مشابهی نیز از سوی آلبرشت در سال ۱۹۸۷ ارائه شد.

سایر مطالعات در هلند نیز به این نتیجه رسیده‌اند که اکثراً اقلیت‌های قومی در آمارهای پلیس بزرگ‌نمایی شده‌اند (وان در هوون ۱۹۸۶؛ اسرس و وان در لان ۱۹۸۸). یونگر نیز در یک مطالعه چاپ‌نشده از شهر روتردام که در آن مراکشی‌ها میزان ارتکاب جرایم بالاتری داشتند، به نتایج مشابهی دست یافت. اگرچه معمولاً محققان بالا بودن میزان جرایم اقلیت‌های قومی را به دلیل در اختیار نداشتن، با اکراه می‌پذیرند. مطالعات بر اساس یک نمونه ملی نیستند. وقتی یک گروه هلندی با پیش‌زمینه اجتماعی - دموگرافیک مشابه در تحقیقات مقایسه‌ای استفاده شد، تفاوت بین گروه‌های قومی کاهش یافت اما کاملاً از بین نرفت.

نهایتاً داده‌ها نشان دادند که با توجه به وضعیت اجتماعی دموگرافیک، نوجوانان هلندی و سورینامی در مقایسه با پسران ترک و مراکشی در وضعیت بهتری هستند، اگرچه میزان ارتکاب جرم از این طبقه‌بندی پیروی نمی‌کند. با توجه به سطوح ارتکاب اعمال مجرمانه، معلوم می‌شود که مراکشی‌ها در مقایسه با نوجوانان ترک و سورینامی بیشتر مرتکب اعمال مجرمانه می‌شوند. در برخی سنجش‌ها پسران گروه قابل مقایسه هلندی در مقایسه با پسران اقلیت‌های قومی، به میزان کمتری مرتکب جرم شده‌اند. به نظر می‌رسد این نتایج، دلالت بر این امر دارند که متغیرهایی غیر از عوامل اجتماعی -

دموگرافیک باید برای توضیح تفاوت‌ها در میزان جرایم ارتكابی بین گروه‌های قومی، مورد توجه قرار گیرند.

۴-۲. اقلیت‌های قومی به‌عنوان بزه‌دیده

در بسیاری از مطالعات بر روی بزه‌دیدگان، معلوم شد که میزان بزه‌دیدگی برای اعضای اقلیت‌های قومی در ایالات متحده و انگلستان بیشتر است (برای مثال نگاه کنید به: هیندلانگ، گوتفردسون^۱ و گاروفالو،^۲ ۱۹۷۸؛ توک^۳ و ساوسگات،^۴ ۱۹۸۱). شاخص‌هایی وجود دارند که صحت این امر را در هلند نیز نشان می‌دهند. در یک نمونه نمایندگی‌کننده پرونده‌های جنایی در شش دادگاه، ۹ بزه‌دیدگان از اعضای اقلیت‌های قومی بودند در حالی که اقلیت‌های قومی تنها ۵/۹ از کل جمعیت را تشکیل می‌دهند (یونگر^۵ و وان‌هوک،^۶ ۱۹۸۸).

توک و ساوسگات در سال ۱۹۸۱ به این نتیجه رسیدند که اگر سایر عوامل مؤثر بر احتمال بزه‌دیدگی (مثل همسایگی و وضعیت مسکن) را مدنظر قرار دهیم، این عدم تناسب در ارتباط با گروه‌های قومی از بین می‌رود. در مورد داده‌های مورد بحث در بالا (نگاه کنید به بخش ۴-۲)، هیچ تفاوتی در میزان بزه‌دیدگی بین اقلیت‌های قومی و پسران گروه کنترل هلندی در ارتباط با جرایمی مثل سرقت دوچرخه، سرقت در مدرسه و پرونده‌های آزار و اذیت یا تهدید با اسلحه نمی‌توان یافت.

۳. اقلیت‌های قومی و تجربیات آنان با پلیس

در بخش ۱-۲ بیان شد که داده‌های مربوط به دستگیری، ابزار نسبتاً خوبی برای سنجش مداخله در ارتكاب جرم از سوی گروه‌های مختلف قومی هستند؛ زیرا هیچ‌گونه تبعیض بر اساس نژاد در تحقیقات تجربی به دست نیامد. بدین معنی که فرایند

¹ Gottfredson

² Garofalo

³ Tuck

⁴ Southgate

⁵ Junger

⁶ Van Hecke

تصمیم‌گیری پلیس تحت تأثیر تبعیض نژادی نیست (یا حداقل تأثیر چندانی ندارد). به‌عنوان یک نتیجه، داده‌های دستگیری، شاخص قابل قبولی برای سنجش مداخله در ارتکاب جرم از سوی گروه‌های قومی مختلف در هلند هستند. البته این امر به معنای نبودن مشکل در ارزیابی نحوه رفتار پلیس با اقلیت‌های قومی نیست. برخی مشکلات در برخورد پلیس و اقلیت‌های قومی در این بخش ارائه خواهد شد.

در برخی مواقع، اقلیت‌های قومی تجربیات تلخی در برخورد با پلیس دارند. هر از گاهی در مطبوعات هلند شایعاتی منتشر می‌شود و پلیس را متهم می‌کنند که به دلیل رنگ پوست، با اقلیت‌ها با بی‌احترامی رفتار کرده است، به دیسکوهایی سر می‌زنند یا در محل‌هایی گشت می‌زنند که معلوم است سورینامی‌ها در آنجا بیشترند. تنها نماینده غیرسفیدپوست مجلس که دارای اصالت مولوکانی^۱ است، به مطبوعات می‌گوید او هر روز تبعیض نژادی را بیشتر و بیشتر و به‌طور مکرر تجربه می‌کند (میندرهفن بولتین،^۲ ۱۹۸۴).

آلبرت^۳ و کامینگا^۴ در ۱۹۸۳ نیز شواهدی از رفتار بی‌نزاکت و خشن از سوی پلیس ارائه داده‌اند.

از سوی دیگر، پلیس در برخی موارد در هلند از این موضوع که اعضای اقلیت‌های قومی در مشاغل با افسران پلیس عجولند و اعتراض می‌کنند که «به‌خاطر این که من یک سورینامی، یک ترک یا ... هستم متوقف و مورد بازرسی قرار گرفته‌ام»، شکایت دارد (مولن جیک،^۵ ۱۹۸۴). این موضوع این نتیجه را در پی دارد که برخی افسران پلیس از ترس وضعیت‌هایی که می‌تواند آن‌ها را متهم به اعمال تبعیض کنند، در برخورد با اقلیت‌های قومی اجتناب می‌ورزند (آلبرت و کامینگا، ۱۹۸۳). در برخی موارد به نظر می‌رسد این خط سیر استدلال از سوی برخی نوجوانان اقلیت‌های قومی، به نوعی، توجیه نامناسبی است که در برخورد با پلیس به بار آورده‌اند. یک توضیح برای این امر

^۱ Mollucan

^۲ Minderhefen Bulletin

^۳ Aalberts

^۴ Kamminga

^۵ Molendijk

همایشی بود که توسط پلیس (در بی‌جل‌مرمر)^۱ با اعضای گروه‌های قومی برای بحث در خصوص مسائل مربوط به روابط پلیس - اقلیت‌های قومی برگزار شد. در گرماگرم بحث، یک پسر سورینامی گفت «شما در سورینام هم حق ندارید به افسر پلیس لگد بزنید». او از سوی بسیاری از سورینامی‌های حاضر در همایش فوراً به‌عنوان خائن خطاب شد (میندره‌دن بولتن، ۱۹۸۵). این توضیح نمایانگر حساسیت بالا و جو متشنج در این نوع از بحث‌ها است.

البته همه برخوردها بین اعضای اقلیت‌های قومی و پلیس منفی نیست. باید بر این نکته تأکید کرد که تجربیات برخورد با پلیس تا حدی برای همه شهروندان اعم از سفید و سیاه، مشابه است. در آلمان مهاجران یونانی در مقایسه با خود آلمانی‌ها، پلیس را بسیار مثبت ارزیابی می‌کنند. تقریباً دوسوم آنان بر این باورند که در مجموع پلیس در حال انجام یک کار خوب است، این در حالی است که فقط یک‌سوم آلمانی‌ها با این نظر موافق اند (البرشت،^۲ ۱۹۸۷). در هلند معلوم شد که برخی اعضای اقلیت‌های قومی دارای روابط خوبی با پلیس هستند (آلبرتز و کامینگا؛ ۱۹۸۳). توک و ساوسگات در ۱۹۸۱ طی مطالعه‌ای در انگلستان به این نتیجه رسیدند که در منطقه مرکزی شهر با تعداد جمعیت اقلیت‌های قومی بالا، تشابهات تجربیات سفیدها و هند غربی‌ها برجسته‌تر از تفاوت‌های آن‌ها بود.

نکته دیگری که این رویکرد را برجسته می‌کند، مطالعه‌ای است که نسبت به شاکیان از تبعیض نژادی در هلند به عمل آمده است. این مطالعه نشان داد که در مجموع، نسبت اندکی از شاکیان تبعیض، شکایت خود را در ارتباط با تبعیض نژادی ثبت کرده‌اند. از کل شاکیان تبعیض نژادی، ۱۲٪ مربوط به پلیس بود. از تعداد کل شکایت علیه پلیس، فقط یک درصد تا حدی مربوط به تبعیض نژادی بود (بیگل^۳ و تی‌چوئن - تاک - سن،^۴ ۱۹۶۸؛ بیگل، پوکر^۵ و تی‌چوئن - ناک - سن؛ ۱۹۸۷). هنوز

^۱ Bijlmermeer

^۲ Albrecht

^۳ Biegel

^۴ Tjon- Tak-Sen

^۵ Bocker

شاکیان علیه پلیس فقط بخشی از کل شاکیان هستند که مقامات عمومی را مورد خطاب اعتراض‌آمیز خود قرار می‌دهند و تبعیض نژادی تا حدودی در همه جای جامعه رخ می‌دهد. اخیراً، سایر سازمان‌ها تأکید می‌کنند که مداخله در روابط پلیس - مردم، نظیر جنبش حمایت از بزه‌دیده، در بسیاری از کشورهای غربی در حال پیشرفت است. همچنین بزه‌دیدگان از طرز برخورد پلیس و نظام قضایی با آنان شکایت دارند. باید تأکید کرد که روابط پلیس - اقلیت‌های قومی، احتمالاً خیلی سختگیرانه‌تر از رابطه پلیس - بزه‌دیده است، اما معلوم می‌شود که از یک نقطه‌نظر کلی، پیشرفت‌هایی در روابط پلیس با مردم حاصل شده است. گفته می‌شود که پلیس عمدتاً بازتاب جامعه‌ای است که در آن کار می‌کند و آن‌ها [مأمورین پلیس] اغلب موارد از اعضای جامعه بوده و از کلیت خود جدا نیستند (همچنین نگاه کنید به: وان انگلن،^۱ ۱۹۸۵).

وجود تبعیض نژادی در بسیاری از بخش‌های جامعه، به این معنی نیست که اگر تبعیض نژادی در داخل نظام قضایی رخ بدهد به خودی خود مشکلی ندارد، بلکه باید با آن برخورد کرد. پلیس دارای انحصار استفاده از زور و دارای جایگاهی مهم در جامعه ماست، بنابراین حق داریم که انتظار استانداردهای رفتاری بالاتری از ایشان در مقایسه با اعضای جامعه داشته باشیم. وقتی رابطه اقلیت‌های قومی و پلیس را مدنظر قرار می‌دهیم باید دو روی سکه را در نظر بگیریم: نخست، یک سؤال کلی از کیفیت رابطه و دوم، مسائل ویژه بالقوه‌ای برای نظام قضایی در حین رفتار با اقلیت‌های قومی.

۱-۳. مسائل ویژه در رابطه پلیس - اقلیت‌های قومی

در اینجا چندین مسئله بالقوه برای پلیس در حین برخورد با اعضای اقلیت‌های قومی وجود دارد. تعدادی از این مشکلات فهرست شده‌اند و برای حل آن‌ها لازم است تلاش‌هایی چندی در هلند صورت پذیرد. مشکلاتی را که می‌توان با عنوان شدید از آن‌ها یاد کرد، از قبیل مشکلات ناشی از رفتار با شهروندانی که به زبان دیگری صحبت می‌کنند؛ از فرهنگ‌های دیگری آمده‌اند و رنگ پوست متفاوتی دارند.

^۱ Van Engelen

۱. مشکل نخست، که قبلاً ذکر شد، این است که برخی از افسران پلیس دارای تنفر نژادی هستند. در هلند برخی مواقع بحث‌ها بر این امر متمرکز می‌شود که آیا قابل قبول است که افسران پلیس در یک حزب سیاسی راست‌گرا با نظرات کم و بیش اعلام‌شده درباره حضور اقلیت‌های قومی در هلند (در مواقعی دارای نماینده در پارلمان هلند هستند)، عضو بشوند؟

۲. همچنین می‌تواند مشکل ارتباطات و امکانات ترجمه وجود داشته باشد. برخی مواقع در میان مهاجران، مظنونانی وجود دارند که به‌سختی می‌توانند به زبان هلندی صحبت کنند.

۳. مشکلات خاصی در ارتباط با حل مشکلات افرادی وجود دارد که از پیش‌زمینه‌های فرهنگی متفاوتی آمده‌اند. برای مثال از پلیس تقاضا می‌شود تا دختری مراکشی را که از خانه فرار کرده است، پیدا کند. پلیس باید به‌عنوان یک میانجی بین خانواده و دختر عمل کند. پدر با اکراه این واقعیت را می‌پذیرد که پلیس از قدرت او در امور خانوادگی حمایت نمی‌کند (آلبرتز و کامینگا، ۱۹۸۳).

برخی از پژوهشگران پیشنهاد می‌کنند که پیش‌زمینه فرهنگی در پرونده‌های اختلاف خانوادگی مد نظر قرار بگیرد و استدلال می‌کنند که در برخی فرهنگ‌ها، خشونت ابزاری پذیرفته شده برای حل اختلاف است (برای مثال در مورد تجاوز و یا آدم‌ربایی؛ ورم هودت^۱، ۱۹۸۶). به نظر می‌رسد، نویسنده به‌طور ضمنی استدلال می‌کند که در چنین مواردی، مجازات باید شدت کمتری داشته باشد؛ زیرا دلایلی وجود دارد که برخورد با عمل صورت‌گرفته در کشور اصلی، به‌عنوان جرم مدنظر نیست. اگرچه اطلاعات حاصل از دادستان‌ها نشان می‌دهند که مد نظر قرار دادن پیش‌زمینه فرهنگی چگونه می‌تواند برای متهم کارکرد داشته باشد. به نظر این محققان، به‌طور کلی دادستان در وضعیت عادی به پیش‌زمینه فرهنگی متهم توجه نخواهد کرد؛ بلکه زمانی به این موضوع توجه می‌کند که خواستار مجازات شدیدتری شده باشد یا دلیل مراجعه

^۱ Wormhoudt

این است که او [دادستان] می‌خواهد تخفیفی بر اساس احساسات جامعه ترک‌ها بدهد و بخواهد از تشدید بپرهیزد.

مردم برخی مواقع با منازعات داخل قومی مواجه می‌شوند (آلبرتز و کامینگا). برخورد با این منازعات مهارت‌های اجتماعی بیشتری را از سوی پلیس می‌طلبد و نیازمند آگاهی در مورد کشور اصلی و پیش‌زمینه فرهنگی اقلیت‌های قومی درگیر در منازعه است.

۴. در وضعیت بازداشت نیز همه این مشکلات ممکن است تا حدی بروز کند. با توجه به تفاوت‌های فرهنگی مشکلاتی در ارتباط با غذا، زبان و مذهب بروز می‌کند. تبعیض نژادی در حبس نیز دقیقاً مثل کل جامعه ممکن است وجود داشته باشد. برای مهاجران، مشکل اخراج بعد از تحمل حبس بسیار اهمیت دارد (برای مثال نگاه کنید: براند-کولن،^۱ ۱۹۸۵).

۲-۳. پلیس در ارتباط با این مشکلات چه تدابیری اندیشیده است:

یقیناً این باور در پلیس هلند وجود دارد که باید کاری انجام داد. گام‌های چندی در این راستا برداشته شده است که یکی از آن‌ها استخدام بیشتر افسران پلیس از میان اقلیت‌های قومی است که از سوی دولت نیز حمایت می‌شود. شرایط استخدام این است که هر متقاضی استخدام، باید فارغ از ریشه قومی شرایطی داشته باشد. برای اعضای اقلیت‌های قومی که متقاضی استخدام در پلیس هستند، برخی از این شرایط برداشته شده است و دوره‌های مخصوصی سازمان‌دهی می‌شود.

این دوره‌ها بر یادگیری زبان هلندی و آموزش‌های سیاسی و اجتماعی متمرکز است. حداقل قد مورد لزوم نیز کاهش داده شده؛ زیرا میانگین قد اعضای اقلیت‌های قومی از میانگین قد هلندی‌ها کمتر است.

در داخل نیروی پلیس، در راستای بهبود روابط با اقلیت‌های قومی، تأکید بیشتری می‌شود تا در خصوص کشورهای اصلی و فرهنگ اقلیت‌های قومی اطلاعات بیشتری به

^۱ Brand-koolen

افسران پلیس داده شود (برای مثال نگاه کنید به: اکتون،^۱ ۱۹۸۶؛ اپینک^۲ و ووئی سنک^۳ ۱۹۸۵؛ میندر هدن بولتن، ۱۹۸۴). فرض بر این است که منازعات داخل قومی در نتیجه این رویکرد، آسان‌تر قابل مواجهه است. عضویت اعضای پلیس در یک حزب راست‌گرای افراطی نیز به‌عنوان یک مشکل، شناسایی شده است. در این‌باره اتفاق نظر کلی وجود ندارد که آیا عضویت در چنین حزبی (که در پارلمان هم دارای نماینده است) آیا برای افسران پلیس مجاز هست یا نه. با وجود این چالش، به نظر می‌رسد که همه در نیروی پلیس قبول دارند که یک عضو فعال یا کسی که ایدئولوژی نژادپرستی را انتشار می‌دهد یا به‌سادگی برچسب‌های ناجور به اقلیت‌های قومی می‌زند، اگر بر این‌گونه اعمال اصرار داشته باشد، باید از شغل خود منفصل شود. به‌علاوه افسران پلیس وقتی دارای عقاید نژادپرستانه بوده‌اند، مورد بازخواست قرار گرفته‌اند و در موقع گزینش به آنان گفته می‌شود که عقاید نژادپرستانه با کار در پلیس مطابقت ندارد (میندرهون بولتن، ۱۹۸۴).

مشکل برخی از مهاجران، ندانستن زبان هلندی است که به لحاظ نظری حل آن آسان است: لازم است در دادگاه‌ها، مترجمان در دسترس باشند. اما در برخورد بین پلیس و مهاجران در خیابان‌ها مشکل هنوز باقی است و هیچ مترجمی افسر پلیس را همراهی نمی‌کند. مشکل بعدی در این ارتباط، پرهزینه بودن استفاده از مترجمان برای پلیس است و در زمان‌های مواجهه با کمبود مالی، تمایل به صرفه‌جویی کردن در این دست هزینه‌ها وجود دارد.

آن‌چه باقی می‌ماند، این است که نظام قضایی تا چه حدی معیارهای کشور اصلی را در تعیین یک مجازات، باید مدنظر قرار بدهد (ورم هودت، ۱۹۸۶؛ همچنین نگاه کنید به بخش ۳-۱). البته این تمایل (اگرچه نادر)، به مجازات‌های خشن‌تر منجر می‌شود. در نتیجه نشانگر خطر ضمنی چنین ملاحظه‌ای است. در بالا اشاره‌ای شد به فرضیه‌های پیترسیلیا (۱۹۸۵) که بسیاری از خصوصیات فردی متهم، مدنظر قرار گرفته بود. در آن

¹ Acton

² Eppink

³ Voesenek

صورت تفاوت‌ها در مجازات بر اساس خصوصیتی مثل نژاد، بیشتر خواهد شد. این امر همچنین نشانگر خطر جانب‌گیری فرهنگی در فرایند تصمیم‌گیری است.

به‌علاوه در ادبیات وابسته، شواهدی وجود دارد که در کل، بر روی آنچه که جرایم خطرناک نامیده می‌شوند، در میان ملت‌ها و فرهنگ‌های مختلف توافق گسترده‌ای وجود دارد (برای مثال نگاه کنید به: ولفورد،^۱ ۱۹۷۵). باید گفت که یک سیاست عدالت استحقاقی به همراه مدنظر قراردادن پیش‌زمینه فرهنگی متهم، می‌تواند بهترین تضمین برای برابری در مقابل قانون باشد. پلیس آمستردام بر اهمیت ثبت هرگونه شکایت در خصوص تبعیض تأکید دارد. در گذشته افسران پلیس به ارجاع شاکیان به بخش‌های دیگر تمایل داشتند. بنابراین شاکیان اغلب احساس می‌کردند که با این عکس‌العمل مورد فراموشی قرار گرفته‌اند (دنکرس^۲ و وایزر،^۳ ۱۹۸۴).

اگرچه راهبردهای زیادی توسعه یافته‌اند، اما هنوز کارهای زیادی برای انجام، باقی مانده است. یکی از مشکلات این است که هنوز معلوم نیست راهبردهای جدید کارایی بهتری داشته باشند و نتایج قابل انتظار، با عباراتی بسیار مبهم ارائه شده‌اند و تقریباً ارزیابی از سوی مقامات در ارتباط با کارایی استراتژی‌های مختلف پیش‌رو، به عمل نمی‌آید.

بزارهای دیگری در ادبیات مربوط پیش‌بینی شده است که توضیح همه این استراتژی‌ها فراتر از حوزه این مقاله است، اما گزیده برخی از آن‌ها، توصیه کلی آن‌ها را نشان خواهد داد.

- فرایندهای ثبت تبعیض علیه اقلیت‌های قومی از سوی پلیس، باید بهبود یابد (آلبرتز، ۱۹۸۴).

- وان انگلن در ۱۹۸۵ بر اهمیت مواجه شدن با مشکل وضعیت‌ها و رفتارهای نژادپرستانه افسران پلیس در سطوح آموزشی پلیس تأکید کرده است. در این مرحله افسران جوان پلیس باید با ارزش‌ها و انتظارات نیرو آشنا بشوند. آلبرتز پیشنهاد می‌کند

¹ Wellford

² Denkers

³ Visser

به هنگام استخدام، افسران پلیس باید یک دوره آزمایشی بگذارند. افسران در این دوره باید آموزش داده شوند و بر اساس مهارت‌های اجتماعی و تجربیاتشان با اقلیت‌های قومی انتخاب شوند. باید مانع ورود متعصبان نژادی به دوره‌های آزمایشی شد.

- مذاکرات بین پلیس و نمایندگان اقلیت‌های قومی باید گسترش پیدا کند، اگرچه این امر در عمل وظیفه‌ای آسان نخواهد بود. برای مثال لازم است شرکت‌کنندگان در مذاکرات تا حد امکان نمایندگان واقعی دو طرف باشند (آلبرتز، ۱۹۸۴). این امر که این مذاکرات چگونه باید بهبود و گسترش یابد، زیاد روشن نیست. بسیاری از گروه‌های اقلیت‌های قومی در میان خودشان، شاخه‌شاخه هستند. بنا بر گفته مولنجیک^۱ (۱۹۸۴)، «هیچ نماینده‌ای نمی‌توان یافت که از سوی همه صحبت کند». یکی از مشکلات مذاکرات بین پلیس و اقلیت‌های قومی در بی‌جل مرمر، وجود مقدار زیادی از سازمان‌ها بود که حاضر نبودند در میان خودشان سیاست مناسبی را دنبال کنند.

۴- اقلیت‌های قومی و وضعیت آن‌ها در جامعه هلند

در هلند (و دیگر کشورها) مشکل اقلیت‌های قومی در جامعه، به‌طور کلی از دو جنبه شرح داده می‌شود: نخست، وضعیت اجتماعی - اقتصادی آنان و دوم، وضعیت آنان به‌عنوان مهاجر (برای مثال نگاه کنید به: یو- تاس، ۱۹۸۴؛ ورکوی‌تن،^۲ ماسون^۳ و دجانگ،^۴ ۱۹۸۴). از نظر وضعیت اجتماعی - اقتصادی، اقلیت‌های قومی متعلق به گروه‌های نسبتاً محروم جامعه ما هستند. برای مثال آنان در مناطق فقیر و خانه‌های محقر زندگی می‌کنند و دارای سطح آموزشی پایین و میزان بی‌کاری بالایی هستند (برای مثال نگاه کنید به: یونگر- تاس، ۱۹۸۴، ۱۹۸۵). البته این مشکلات، منحصر به آنان نمی‌شود، بلکه به همه گروه‌های محروم تعلق دارد. مشکلات اقلیت‌های قومی تا حد زیادی به وضعیت محرومیت آنان در جامعه هلند (و نه تعلق به اقلیت‌های فرهنگی یا قرار گرفتن در یک وضعیت فرهنگی) مربوط است (یونگر- تاس، ۱۹۸۵). در تحقیقی که

^۱ Molendijk

^۲ Verkuyten

^۳ Masson

^۴ Dejo`ng

در میان نوجوانان اقلیت‌های قومی در کشور خودشان به عمل آمد، نظر مذکور تأیید شد. به‌طور کلی مشکل اقلیت‌های قومی، متفاوت از مشکلات نوجوانان هلندی نیست (وان در لان، ۱۹۸۵؛ جانگر-تاس، ۱۹۸۵). طی مطالعه‌ای در روتردام، ورکای‌تن، ماسون و دجونگ در سال ۱۹۸۴ به این نتیجه رسیدند که روی هم رفته، ۶۰٪ از نوجوانان اقلیت‌های قومی، دارای مشکلات اجتماعی و احساسی هستند.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

اولین موضوع مورد بررسی در این مقاله عبارت از این بود که: آیا نوجوانان اقلیت‌های قومی بیشتر از نوجوانان هلندی مرتکب اعمال مجرمانه می‌شوند؟ برای یافتن پاسخ به این سؤال در هلند، تبعیض در سنجش‌های رسمی و خودگزارش‌دهی جرایم مورد بحث قرار گرفت. ابتدا اعتبار داده‌های رسمی تحلیل شد. مشکل عمده در استفاده از داده‌های رسمی برای مقایسه میزان جرایم ارتکاب‌یافته از سوی گروه‌های مختلف قومی، ارزیابی میزان تبعیض نژادی است که می‌تواند به تبعیض و جانبداری در آمارهای رسمی منجر شود. در بازبینی از ادبیات مربوطه، معلوم شد که بر اساس نتایج تحقیق هلند، تبعیض نژادی در مرحله پلیسی وجود نداشت. در مراحل بعدی فرایند قضایی نتایج تجربی نشان داد که برخی شواهد حاکی از وجود تبعیض در مرحله تعقیب و دادگاه است. بنابراین داده‌های مربوط به دستگیری‌ها، شاخص نسبتاً معتبری از مداخله انواع گروه‌های قومی در جرم فراهم می‌کند. در مرحله دوم، داده‌های حاصل از خودگزارش‌دهی مورد بحث قرار گرفت. به نظر می‌رسد که این داده‌ها برای همه گروه‌های قومی از اعتبار یکسانی برخوردار نیستند. اگرچه می‌توان با استفاده از متغیرهای کنترل‌کننده اجتماعی، این تفاوت در اعتبار داده‌ها را توضیح داد، اما برآوردهای خودگزارش‌دهی را نمی‌توان مبنایی برای تفاوت‌های گروه‌های قومی از لحاظ مداخله در جرم قرار داد.

به‌کارگیری داده‌های مربوط به تعداد دستگیری‌ها، نشان داد که پسران مراکشی به‌طور نسبی دارای میزان ارتکاب جرم بیشتری هستند؛ در حالی که پسران ترک و سورینامی فقط از چندجنبه نسبت به گروه پسران قابل مقایسه هلندی، مرتکب جرایم

بیشتری شده‌اند. در اکثر مقایسه‌ها، مقادیر برای گروه‌های قومی و گروه کنترل از مقادیر میانگین پسران هلندی بیشتر بود. استفاده از یک گروه کنترل (با پیش‌زمینه اجتماعی - دموگرافیک مشابه) تفاوت‌های بین نوجوانان اقلیت‌های قومی و هلندی را از لحاظ میزان ارتکاب جرم، کاهش می‌دهد اما کاملاً حذف نمی‌کند.

دو ملاحظه در این ارتباط می‌توان داشت: نخست، به نظر می‌رسد که تفاوت بین میزان جرم ارتكابی از سوی گروه‌های قومی در مرحله دادگاه قابل مسامحه است. این نشان می‌دهد که تبعیض نژادی در سیستم قضایی نوجوانان (بر خلاف بزرگسالان) به‌ندرت یک عامل محسوب می‌شود. به‌علاوه این امر نشان می‌دهد که دخالت نسبتاً زیاد در جرم از سوی اقلیت‌های قومی، در مقایسه با گروه کنترل هلندی، بیشتر در جرایم کم‌اهمیت اتفاق می‌افتد.

دوم، در ادبیات مربوط اشاره شده است که بر خلاف میزان جرایم نسل دوم و سوم مهاجران، جرایم نسل اول کمتر از میزان میانگین شهروندان است. آلبرشت در ۱۹۸۷ به صحت این امر در خصوص آلمان دست یافت و سوول در ۱۹۸۱ اشاره کرده است که نتیجه مذکور درباره مهاجران ایتالیایی در ایالات متحده آمریکا نیز صحت دارد. با وجود این، در طی دوره زمانی طولانی میزان جرایم می‌تواند کاهش یابد. این امر هم درباره ایتالیایی‌ها و چینی‌ها در ایالات متحده در حال وقوع است (سوول، همان). بنابراین به نظر می‌رسد، بزرگ‌نمایی جرایم نوجوانان اقلیت‌ها، موقتی است و گذر زمان میزان جرایم آنان را متعادل خواهد کرد.

موضوع دوم مورد بحث در این مقاله، رابطه اقلیت‌های قومی با پلیس بود. گفته شد که گرچه داده‌های مربوط به دستگیری‌ها تحت تأثیر تبعیض نژادی قرار نگرفته است، اما در برخی موارد رابطه پلیس - اقلیت‌های قومی، همراه با تنش بوده است. در این ارتباط، نتایج زیر را می‌توان ارائه داد:

نکته کلی این است که رابطه پلیس با اقلیت‌های قومی، تا حد زیادی بازتاب رابطه پلیس - مردم است. هنوز جا دارد که روابط پلیس با شهروندان عادی بهبود یابد و بهتر از این بشود. برای مثال طرح‌های حمایت از بزه‌دیده به همراه گروه‌های فشار، خواستار رفتار بهتر از سوی پلیس (و بقیه سیستم قضایی) هستند. با این وجود، مشکلات خاصی

را می‌توان در روابط پلیس با اقلیت‌های قومی مشاهده کرد. این موارد تنفر نژادی از سوی برخی افسران پلیس، وجود وضعیت نژادپرستانه و مشکلات مربوط به ارتباطات را شامل می‌شود. برخی از مهاجران، زبان هلندی را به‌خوبی صحبت نمی‌کنند. دخالت پلیس در دعوای خانوادگی یا داخل قومی هنوز مورد بحث است. همچنین قابل بررسی است که به چه میزان، عوامل فرهنگی باید در فرایند پیگرد و صدور رأی مدنظر قرار بگیرند. از دیدگاه برابری حداکثری در مجازات، به نظر می‌رسد که دنبال کردن شیوه مذکور، خطرناک باشد. با وجود این، باید تفاوت‌های فرهنگی (با توجه به جرم و یا خلاف) برای مثال بین فرهنگ‌های اسلامی و غیراسلامی مد نظر باشد.

پلیس هلند گام‌هایی با هدف بهبود روابط با اعضای اقلیت‌های قومی برداشته است. یک برنامه استخدام فعال وجود دارد تا افسران پلیس بیشتری از میان گروه‌های قومی استخدام شوند. همچنین فعالیت‌هایی برای بهبود درک اقلیت‌های قومی سازمان‌دهی شده است. کمبود منابع مالی، اجرای برخی تدابیر مثل فراهم کردن مترجم را با مشکل مواجه کرده است.

نهایتاً نظراتی درباره اقلیت‌های قومی در جامعه هلند ارائه شد. گفته شد که روی هم‌رفته باید از وضعیت آنان به‌عنوان قشر نسبتاً محروم یاد کرد. مشکل اقلیت‌های قومی عموماً با مشکلات مردم هلند که در وضعیت اجتماعی مشابه به سر می‌برند، تفاوت ندارد؛ اگرچه برخی مشکلات مختص مهاجران است. این نشان می‌دهد که به منظور مواجه شدن با مشکلات اقلیت‌های قومی، لازم است برای بهبود شرایط اجتماعی و مشارکت در جامعه در کلیت آن مبارزه کنیم. امید می‌رود که با بهبود وضعیت اجتماعی و گذشت زمان، مشارکت از سوی اقلیت‌های قومی در جامعه افزایش یافته و مشکل جرایم کاهش یابد.

فهرست منابع

1. Aalberts, M.M.J. Kamminga, E.M (1983). **Politie en Alloctonen**, The Hague, Staatsuitgeverij.
2. Engelen, L.A.M. van (1985). **'Over Het Ongewenst Selectief Optreden van Politie Agenten, Tijdschrift voor de Politie**, 47:517-522.
3. Eppink, A. Voeselek, J.H (1985). **'Etnische Minderheden in de Primaire Politieopleiding'**, Algemeen politieblad, 22: 517-522.
4. Eppink, A. Voeselek, J.H (1985). **'Etnische Minderheden in de Primaire Politieopleiding'**, Algemeen Politieblad, 22: 513-515.
5. Essers, A.A.M. van der Laan, P.H (1988). **Jeugd en Politie**. The Hague: WODC, Ministerie van Justitie.
6. Frid, A., Maas C. Stuyling de Lange, J (1986). **'Alloctonen in Ons Strafproces'**, Amsterdam, Stichting Onderzoek Recht en beleid.
7. Garber, S., Klepper S. Nagin D (1983). **'Discrimination in the Criminal Justice System, A Critical Appraisal of the literature'**, in A. Blumstein, J. Cohen, S.E. Martin and M.H. Tonry (Eds.), *Research on Sentencing: The Search for Reform*. Washington, DC: National Academy Press.
8. Gould, L.C (1969). **'Who Defines Delinquency: A Comparison of Self-reported and Officially Reported indices of Delinquency for Three Racial Groups'**, *Social Problems*, 17: 325-336.
9. Gove, W.R., Hughes, M. Geerken, M (1985). **'Are Uniform Crime Reports a Valid Indicator of the Index Crimes? An Affirmative Answer with Minor Qualifications'**, *Criminology*, 23: 451-501.
10. Hagan, J. Bumiller, K (1983). **'Making Sense of Sentencing and Critique of Sentencing Research'**, in A. Blumstein, J. Cohen, S.E. Martin and M.H. Tonry (Eds.), *Research on Sentencing: The Search for Reform*. Washington, DC: National Academy Press.
11. Hepburn, J.R (1978). **'Race and the Decision to Arrest: An Analysis of Warrants Issues'**, *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 15: 54-73.

12. Aalberts, M.M.J (1984). '**Policing in a Multi- Ethnic Society**', in J. Brown (Ed.), Policing and social Policy; the Cranfield- Wolfson Colloquium on Multi-Ethnic Areas in Europe, London: Police Review.
13. Hill, G.D., Harris, A.R. Miller, J.L (1985). '**The Etiology of Bias: Social Heuristics and Ration Decision Making in Deviance Processing**', Journal of Research in Crime and Delinquency, 22: 135-162.
14. Hindelang, M.J (1974). '**Decisions of Shoplifting Victims to Invoke the Criminal Justice Process**', Social Problems, 21: 580-593.
15. Hindelang, M.J (1978). '**Race and Involvement in Common Law Personal Crimes**', American Sociological Review, 43: 93-109.
16. Hindelang, M.J (1981). '**Variations in Sex, Race, Age, Apecific Incidence Rates of Offending**', American Sociological Review, 46: 461-474.
17. Hindelang, M.J., Gottfredson M.R. Garofalo, J (1978). **Victims of Crimes: An Empirical Foundation for a Theory of Personal Victimization**, Cambridge, Mass.: Ballinger Publishing Company.
18. Hindelang, M.J., Hirschi T. Weis, J.G (1979). 'Correlates of Delinquency: The Illusion of Discrepancy Between Self-report and Official Measures', American Sociological Review, 44: 999-1014.
19. Hindelang, M.J., Hirschi T. Weis, J.G (1981). **Measuring delinquency**, Beverley Hills: Sage.
20. Hirschi, T (1969). **Causes of Delinquency**, Berkeley: University of California Press.
21. Hoeven, E. van der (1986). **De Jeugdpolitie: Een Observatie-Onderzoek**, The Hague: CWOK.
22. Holmes, M.D., Dandistel, H.C. Farrell, R.A (1987). '**Determinants of Charge Reductions and Final Disposition in Cases of Burglary and Robbery**', Journal of Research in Crime and Delinquency, 24: 233- 254.
23. Craen, A (1984). '**Policing and Social Policy in the Multi-Ethnic Area of Genk**', in J. Brown (Ed.), Policing and Social Policy; The Granfield- Wolfson Colloquium on Multi-ethnic Areas in Europe, London: Police Review.
24. Howard, K.M (1975). '**Police Reports and Victimization Survey Results, An Empirical Study**', Criminology, 12: 433- 466.
25. Huizinga, D. Elliott, D.S (1984). **Self- Reported Measures of Delinquency and Crime: Methodological Issues and Comparative Findings**. Boulder, Colorado: Behaviora Research Institute, 1984.

26. Huizinga, D. Elliott, D.S (1986). **'Reassessing the Reliability and Validity of Self- Report Delinquency Measures'**, Journal of Quantitative Criminology, 2: 293-327.
27. Pope, C.E (1979). **'Race and Crime Revisited'**, Crime and Delinquency, 25: 347-357.
28. Jager, J (1984). 'Ethnic Minorities and The Police Problems in Germany', in J. Brown (Ed.) Policing and Social Policy; The Cranfield-Wolfson Colloquium on Multi-ethnic Areas in Europe, London, Police Review.
29. Jendrek, M.P (1984). **'Sentence Length: Interaction With Race and Court'**, Journal of Criminal Justice, 12: 567-578.
30. Junger, M (forthcoming). **'Discrepancies Between Police and Self-Report Data for Dutch Racial Minorities'**, British Journal of Criminology.
31. Junger, M (forthcoming). **Delinquentie en Slachtofferschap Bij Jongeren Uit Etnische Minderheden**, The Hague: WODC, Ministerie van Justitie.
32. Junger, M. van Hecke, T (1988). **Schadevergoeding Binnen Het Strafrecht, Daders en Slachtoffers uan Misdrijven**, The Hague: Staatsuitgeverij.
33. Junger-Tas, J (1977) **Een Observatie- Onderzoek Naar Het Werk Van de Politie-Surveillance**, The Hague: WODC, Ministerie van Justitie.
34. Junger-Tas, J. Junger, M (1984). **Juvenile Delinquency, Background of Delinquent Behaviour**, The Hague: Ministerie van Justitie.
35. Crow, I (1987). **'Black People and Criminal Justice in the UK'**, Howard Journal of Criminal Justice, 26: 303-314.
36. Junger-Tas, J (1981). **Politiecontacten uan Minderjarigen en Justitiële Afdoening**, The Hague: WODC, Ministerie van Justitie.
37. Junger-Tas, J, (1985). **'Allochtonen in Nederland: Een Inleiding'**, Justitiële Verkenningen, no. 3, 1-33.
38. Junger-Tas, J (1984). **'Minority Juveniles and the Dutch Police'**, in J. Brown (Ed.) Policing and Social Policy; the Cranfield-Wolfson Colloquium on Multi-Ethnic Areas in Europe, London: Police Review.
39. Kempf, K.L. Austin, R.L (1986). **'Older and More Recent Evidence on Racial Discrimination in Sentencing'** , Journal of Quantitative Criminology, 22: 29-48.

40. Kleck, G (1981). 'Racial Discrimination in Criminal Sentencing: A Critical Evaluation of the Evidence with Additional evidence on the Death Penalty', *American Sociological Review*, 46: 783-805.
41. Laan, P.M. van der (1985). '**Jonge Allochtonen en de Kinderbescherming: On Hovel Jongeren Gaat Het Eigenlijk?**' *Justitiele Verkenningen*, no. 3, 34-55.
42. LaFree, G.D (1985). '**Official Reactions to Hispanic Defendants in the South- West**', *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 22: 213-237.
43. Landau, S.F (1981). '**Juveniles and the Police**', *British Journal of Criminology*, 21: 27-46.
44. Lundman, R.J., Sykes R.E. Clark, J.P (1977). '**Police Control of Juveniles; A Replication**' , *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 15: 79-91.
45. Acton, G (1986). **Achtergronden Van Delinquent Gedrag Bij Allochtone Jongeren**, The Hague: CWOK.
46. Crow, I. and Cove, J (1984). '**Ethnic Minorities Before the Courts**', *Criminal Law Review*, 413-417.
47. Marnoch, A (1984). '**The Lambeth Experience**', in J. Brown (Ed.) *Policing and Social Policy; the Cranfield- Wolfson Colloquium on Multi- Ethnic Areas in Europe*, London: Police Review.
48. McCarthy, B.R. Smith, B.L (1986). '**The Conceptualization of Discrimination of Discrimination in the Juvenile Justice Process: The Impact of Administrative Factors and Screening Decisions on Juvenile court Disposition**', *Criminology*, 24: 41-64.
49. Minderheden Bulletin, The Hague (1984). '**Pers-documintatie Beleid Minderheden, Afdelling Voorlichting**', Ministerie Binnenlandse Zaken, no. 148.
50. Minderheden Bulletin, The Hague (1985). '**Pers-documintatie Beleid Minderheden, Afdelling Voorlichting**', Ministerie Binnenlandse Zaken, no. 163.
51. Molendijk, J (1984). '**Criminal and/or Illegally Entered Immigrants in the Inner City**', in J.Brown (Ed.) *Policing and Social Policy; The Cranfield- Wolfson Colloquium on Multi-Ethnic Areas in Europe*, London: Police Review.
52. Muus, P.J (1986). '**Migration, Minorities and Policy in the Netherland; Recent Trends and Developments**'. Amsterdam, WPEMI & OECD report, Institute for Social Geography of Amsterdam.

53. Muus, P.J (1987). **'Migration, Minorities and Policy in the Netherlands; Recent Trends and Developments'**, Amsterdam, WPEME & OECD report, Institute for Social Geography of Amsterdam.
54. Nadjafi Abrandabadi, A.H (1983). **'L'évolution de la Criminlité des Etrangers en France'**, Revue Pénitetaire et de Droit Pénal, 2: 147-155.
55. Nederhof, A.J (1985). **'Methods of Coping with Social Desirability Bias: A Review'**, European Journal of Social Psychology, 15: 263-280.
56. Petersilia, J (1978). **'Validity of Criminal Data Derived From Personal Interview'**, in C. Wellford (Ed.), Quantitative Studies in Criminology. Beverly Hills: Sage, 30-47.
57. Denders, F. and Visser, B (1984). **'Coping with Discrimination and Rioting'**, in J. Brown (Ed.), Policing and Social Policy; the Cranfield-Wolfson Colloquium on Multi-Ethnic areas in Europe, London: Police Review.
58. Petersilia, J (1985). **'Racial Disparities in the Criminal Justice System: a Summary'**, Crime and Delinquency, 31: 15-34.
59. Peterson, R.D Hagan, J (1984). **'Changing Conceptions of Race: Towards an Account of Anomalous Findings of Sentencing Research'**, American Sociological Review, 49: 56-70.
60. Pope, C.E (1978). **'Sentence Dispositions Accorded Assault and Burglary Offenders: An Exploratory Study in Twelve California Counties'**, Journal of Criminal Justice, 6: 151-165.
61. Punch, M (1976). **'Politie en Publiek: Het Politie Optreden in de Binnenstad van Amsterdam'**, Tijdschrift voor Criminologie, 18: 3-14.
62. Runback, B.R., Greenberg, M.S. Westcott, D.R (1983). **'An Archival Analysis of Victim Reporting'**, Victim logy, An International Journal, 6: 318-327.
63. Sampson, R.J (1985). **'Race and Criminal Violence: A Demographically Disaggregated Analysis of Urban Homicide'**, Crime and Delinquency, 31: 47-82.
64. Skogan, W.G (1984). **'Reporting Crimes to the Police: The Status of World Research'**, Journal of Research in Crime and Delinquency, 21:113-137.
65. Smith, S.M (1987). **'Patterns of Discrimination in Assessments of Death Penalties'**, Journal of Criminal Justice. 15: 279-286.
66. Sowell, T (1981). **Ethnic America**, New York: Basic Books.

67. Stevens, P. Willis C.F (1979). *Race, Crime and Arrests*, London: HMSO. Home Office Research Study No. 58.
68. Dijk, J.J.M. van Steinmet, C.H.D (1979). **'De WODC-slachtofferenquettes 1974-1979: verslag van een jaarliks onderzoek naar de omvang en aard van de kleine criminaliteit in Nederland, de bereidheid van de bevolking om delicten bij de politie aan te geven en het verbaliseringsleid van de politié.** The Hague: Staatsuitgeverij. *Onderzoek en beleid*, no.13.
69. Terry, R.M (1967). **'Discrimination in the Handling of Juvenile Offenders by Social Control Agencies'**, *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 4: 218-230.
70. Timmerman, H., Bosma, J.J. Jongman, R.W (1986). **'Minderheden voor de Rechter '**, *Tijdschrift voor Criminologie*, 2a: 57-72.
71. Tuck, M. Southgate, P (1981). **Ethnic Minorities, Crime and Policing: a Survey of the Experiences of West- Indian and Whites**, London, HMSO. Home Office Research Study No. 70.
72. Veendrick, L. Jongman, R (1976). **Met de politie op pad**, Gronongen: Criminologisch instituut van de Rijksuniversiteit Groningen.
73. Verkuyten, M.C. Masson de Jong, W (1984). **'Hebben Allochtone Jongeren Problemen?'** Rotterdam: Mededelingen van het Juridisch Instituut van de Erasmus Universiteit.
74. Walker, M.A (1987). **'Interpreting Race and Crime Statistics'**, *Journal of the Royal Statistical Society*, 150: 39-56.
75. Weiss, C.H (1977). **'Survey Researchers and Minority Communities'**, *Journal of Social Issues*, 33: 20-35.
76. Wellford, C (1975). **'Labelling Theory and Criminology, An Assessment'**, *Social Problems*, 22: 332-354.
77. Werff, C. van der Zee-Nefkens, A.A. van der (1978). **'Strafrechterlijke Vervolging en Bestraffing van Nederlanders en Buitenlanders'**, The Hague: Staatsuitgeverij. *Onderzoek en beleid*, no. 2.
78. Willemse, H.M. Meyboom, M.L (1978). **'Personal Characteristics of Suspects and Treatment by the Police: A Street Experiment'**, part I, *Abstracts on Police Science*, 6: 323-331.
79. Elliott, D.S (1982). **'Review Essays on Measuring Delinquency'**, *Criminology*, 20: 527-537.
80. Willis, C.F (1983). *The Use, Effectiveness and Impact of Police Stop and Search Powers*, London: HMSO. Home Office Research Study No.15.

81. Winkel, F.W. Koppelaar. L (1986). **'Being Suspect in Cross-Cultural Interaction: A Psychological Analysis'**, Police Studies, 9: 125-132.
82. With, J (1984). **'Criminality Among Black People in the Bijlmermeer'**, in J. Brown (Ed.), Policing and Social Policy; the Cranfield-Wolfson Colloquium on Multi-Ethnic Areas in Europe, London: Police Review.
83. Wormhoudt, R.H (1986). **'De Culturele Achtergrond van Turkse Justitiabelen en de Strafrechtspleging'**, Proces, 65: 163-170.
84. Wyner, G.A (1980). **'Response Errors in Self-Reported Number of rrests'**, Sociological Methods and Research, 9: 61-177.
85. Elliott, D.S. Ageton, S.S (1980). **'Reconciling Race and Class Differences in Self-reported and Official Estimates of Delinquency'**, American Sociological Review, 45: 95-110S.